

علیه سرمایه

تریبون کارگران ضد سرمایه‌داری

شماره ۶۳ / خرداد ۱۴۰۱

دستور کار جنبش روز / «سود سازی از درد و رنج» توسط سرمایه / سرمایه، نابودی
جانداران پیش در آمد کووید ۱۹ و بروز اپیدمی ها / به همزنجیران! کجا ایستاده
ایم؟ چه باید بکنیم؟ / نگاهی به خیزش کارگران در گلیایگان، الیگودرز و چند شهر
در چهارمحال بختیاری / در مقابل هجوم همه جانبه به سفره خالی خود چه کنیم؟
/ گزارش تجمع بازنشستگان و معلمان در روز ۲۶ خرداد / گزارش اعتراضات کارگری
روز های اخیر



دستور کار جنبش روز

۱ خورد و خوراک و پوشاک، مسکن، دارو و درمان، آب، برق، گاز، وسائل خانه، آموزش، نگهداری کودکان و سالمندان باید از حیثه داد و ستد کالائی، پولی سرمایه داری خارج گردد. کل اینها باید بدون پرداخت هیچ ریال در اختیار همه آحاد انسان ها قرار گیرد.

۲ کار خانگی زنان محو، قبل از محو عین اشتغال و هر لحظه آن زمان کار محسوب شود.

۳ تولید آنچه آلاینده محیط زندگی، غذا، پوشاک، آب، هوا، ساختمان، زمین، رودخانه، جنگل، دریاست ممنوع گردد.

۴ هر نوع دخالت دولت در امور زندگی انسان ها قاطعانه ممنوع اعلام شود.

ما برای حصول حتمی و فوری این خواست ها پیکار می کنیم. در این پیکار قدرت طبقه خود را متحد و علیه سرمایه اعمال می نماییم. این قدرت را شورائی، سراسری و ضد کار مزدی سازمان می دهیم. در این پیکار و با این قدرت مراکز کار و تولید، مستغلات، خانه های خالی، آب، برق، گاز، همه چیز را، همه آنچه را که حاصل کار ما است، اما سرمایه طبقه سرمایه دار شده است از چنگال این طبقه خارج می سازیم. با دولت سرمایه می جنگیم، آن را ساقط و سازمان شورائی سوسیالیستی کار و تولید را مستقر می گردانیم. جامعه ای می سازیم که در آن دولت، طبقات، استثمار طبقاتی برای همیشه به زباله دادن تاریخ رفته است. «جامعه ای که در آن رشد آزاد همگان در گرو رشد آزاد هر انسان است» اینها دستور کار حی و حاضر جنبش جاری ما، زمینی ترین، حیاتی ترین و شدنی ترین انتظارات ما توده های کارگر است. فاشیسم اسلامی بورژوازی یا هر دولت سرمایه داری در هر کجای دنیا سایه این خواستها را به توپ

می بندد. دولت‌ها در این توپ بارانها تنها نیستند، احزاب، اتحادیه‌ها، زنجیره عظیم نیروهای موسوم به اپوزیسیون به شکل دیگری همین کار را می‌کنند. اینها توپخانه نظامی و زرخانه‌های تسلیحاتی ندارند، اما با اندیشه، تدبیر، قلم، زبان، رسانه، تشکیلات، خویش آن می‌کنند که طبقه سرمایه دار و دولت‌ها انجام می‌دهند. همه یک صدا و همساز فریاد می‌کشند که ما بدون رهبران و ناجیان، بدون حزب، بدون یک نیروی بالای سر، قادر به تغییر وضع موجود نیستیم. القاء می‌کنند که ما مشت‌هیچ و پوچ هستیم!!، منشأ هیچ رخداد، بانی هیچ اثرگذاری بر سرنوشت خود نبوده ایم و نمی‌توانیم باشیم!!، تأکید دارند که آخرین ظرفیت نقش بازی ما در بالا بردن چند تومان مزد ماهانه، بهبود اندک شرائط کار و نوع اینها خلاصه می‌گردد!! برای هر «تغییر مهم»!! باید پشت سر آنها صف بندیم!!، پیاده نظام ارتش شایستگان شویم!!، رژیم روز را ساقط و آنها را بر اریکه قدرت بنشانیم!! تقدیر زندگی ما این است و چاره دیگری نداریم!! پاسخ ما به این جماعت بسیار صریح، برنده و کوبنده است.

۱- از شروع قرن بیستم تا امروز به حرف شما گوش کردیم و آنچه گفتید انجام دادیم، با این کار، سرمایه داری فرصت یافت تا شدت استثمار ما را چند ده برابر کند، سرتاسر دنیا را از کار بدون هیچ اجرت ما، از سرمایه پر سازد، با حداقل نیروی کار ما حدکثر سرمایه را تولید نماید، سرمایه عظیم تر و هیولاتر و ما تولیدکنندگان، نه مطلق، اما نسبی، کمتر، حقیرتر و مفلوک تر گردیم، سرمایه برای حصول سودهای دلخواه نرخ استثمار ما را به اوج برد، کار بدون هیچ مزد ما را کوه آسا و کار با اجرت ما را به سمت هیچ راند. همزمان و همگن این روند ساختار قدرت، نظم سیاسی، ماشین حکمرانی خود را به گونه غیرقابل توصیفی، گول پیکر و اختاپوسی ساخت، افعی وار، ما را و جنبش ما را، در خود بلعید، قدرت خود را کپکشان‌ی و نیروی پیکار ما را منکوب، مقهور، مایوس و تسلیم بدون قید و شرط گرداند. ما به موعظه های مسموم شما گوش دادیم و حاصلش، ماندگاری سرمایه داری و گورخوابی، آوارگی، گرسنگی، بی بهداشتی، بی درمانی، بی آبی، سیاه روزی رعب انگیز ۴ میلیارد از ۶ میلیارد نفوس توده های طبقه ما در دنیا و اکثریت غالب آحاد همزنجیران در جهنم همیشه مشتعل سرمایه داری ایران شد. خود را پیاده نظام ارتش «تسخیر قدرت سیاسی» و دموکراسی خواهی شما کردیم و نتیجه مستقیم آن به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی ها، طالبان ها، داعشها، ترامپ ها، برلوسکونی ها، تاچرها، حفترها، سیسی ها، عمرالبشیرها، سارکوزی ها، عروج زنجیروار و سرطانی بوکوحرام ها، جبهة النصره ها، القاعده ها، فجر لیبی ها، الشباب ها، اخوان المسلمین ها، حزب آترناتیو آلمان، جبهه ملی ملی ماری لوین، دموکرات های سوئد، فلاپرلانک بلژیک، اشتروناک اتریش، حزب آزادی هلند، فنلاندیهای واقعی، حزب برادران ایتالیا، وُکس اسپانیا، تی پارتی امریکا، دوم خردادی های اسلامی و خیل کثیر مشابهان گردید. سؤال خشم آگین ما از شما آنست که چرا باید باز هم به موعظه های شوم شما وقعی نهاد؟؟؟ چرا باید به شما دخیل

بست؟؟؟ قطعاً نباید چنین نمود، باید با تمامی نیرو دست رد بر سینه یکایک شما نهاد.

۲- پرسش بعدی، باز هم از شما این است که چرا باید در پیکار برای رهایی خویش به شما توسل جوئیم؟؟؟ چرا باید شما را به قدرت برسانیم؟؟؟ این حکم از کجا، از کدامین آسمان، توسط کدام پیامبر شیاد نازل گردیده است؟؟؟ دادن پاسخ در ظرفیت شعور طبقاتی شما نیست اما برای ما از بدیهی ترین قضایای هندسی هم عربانتر و بدیهی تر است. این حکم از ژرفنای هستی سرمایه، از رابطه خرید و فروش نیروی کار، از شیرازه تولید سرمایه داری می جوشد و از زمان ظهور سرمایه تا امروز، توسط کل دستگاههای آموزشی، ایدئولوژیک، رسانه ای، فرهنگی، شستشوی مغزی سرمایه با شرارت قهر آگین در سلول، سلول شناخت و فکر توده های طبقه ما کشت و آبیاری شده است. هر روز بیشتر، عمیق تر، انفجار آمیزتر کشت می شود. سرمایه داری است که با تبدیل ما به مهره های چرخه تولید سود، اساس هستی انسانی ما را درهم می کوبد، اندیشه، آفرینش، ابتکار، بصیرت، قدرت خلاقه ما را قدرت خودافزائی و سودآفرینی سرمایه می کند. با انحلال و انجماد ما در ساختار نظم اقتصادی، سیاسی، حقوقی، مدنی، فرهنگی، اجتماعی حاکم، شیرازه هویت مستقل و معترض ضد کار مزدی ما را بمباران می نماید، با سازماندهی حزبی و سندیکائی، هر میزان همپیوندی و هم‌رزمی طبقاتی، شورائی، ضد سرمایه داری ما را منهدم می گرداند، ما را به حضيض شیئیت ساقط و در مرداب هیچی و پوچی مدفون می سازد. سرمایه است که قانون ارزش افزائی خود را قانون خلقت، نظم تولید سود را نظم زندگی، دولتت را دولت ما، مدنیت، حقوق، ارزش ها و ملاک های اجتماعی اش را که همگی طناب دار بردگی مزدی بر دست و پای ما هستند، میثاق رفاه، رهایی و بالندگی ما القاء می کند. پارلمانش را مظهر انتخاب و مرکز اجماع نمایندگان ما!!! قوای اختاپوسی سرکوب هر اعتراض ما را حافظان امنیت و بانیان آسایش ما می خواند، قهر پلیسی خود را نوشدا روی فراغ بال ما جار می زند، سیستم آموزشی پاسدار بردگی مزدی را مشعل پرفروغ آگاهساز اندیشه و شعور ما می نامد، کل آنچه که ما را تار و پود مدفون و منجمد وبی اراده چرخه تولید سرمایه می کند، ساز و کار معاش، رفاه، امنیت و آزادی ما نام می نهد، ما را از همه لحاظ و در همه وجوه شیئی بی تأثیر ساقط از هستی می سازد و هر نفس کشیدن ما را به برنامه ریزی و نقش بازی و میدان داری خود قفل می زند. در همین راستا اپوزیسیون های اندرونی خود، منتقدین این یا آن الگوی برنامه ریزی، شاکیان زیادت طلبی های این یا آن گروه حاکمان خود را هم لباس منجی، رهبر، پیشوا و نسخه پرداز رهایی ما می پوشاند!!!

آری، آیه ورد زبان شما را سرمایه نازل کرده است، حرف سرمایه را می زنید و ما آن را بسیار خوب می شناسیم. به همین دلیل آن را بر سینه دیوار می کوبیم، وقتش فرا رسیده است، خیلی خیلی هم دیر شده است. ما ولو اندک و نامحسوس، در حد بارقه ها و پرتوها نشان داده ایم که قادر به تحقق خواسته

های حال و آتی خود هستیم، در دهه اخیر، هر یک سال ۴۰۰۰ تا ۶۰۰۰ اعتصاب کرده ایم، برای این اعتصابات خواستار هیچ مجوزی نگردیده ایم، به قدرت طبقه خود اتکاء نموده ایم، این قدرت را پشتوانه تعطیل چرخه کار و تولید کرده ایم. شورش ها راه انداخته ایم، بساط انتظار به معجزه این یا آن جناح از وحوش بورژوازی را جمع نموده ایم، به نتایج حاصل از پروسه پیکار چشم دوخته ایم. از رژیم ستیزی توخالی فاقد بار ضد سرمایه داری، کم یابیش گسسته ایم و کفه پیوند خود با سرنگونی طلبی ضد بردگی مزدی را هر چند کم، سنگین تر نموده ایم، از سندیکاسازی، حزب بازی و آویختن به نیروهای بالای سر تا حد زیادی خسته و منزجر شده ایم، به جای این ها کشف ظرفیت های رشد یابنده و اثرگذار اندرونی خود را دستور کار کرده ایم. برای همصدائی، همسنجی و هم‌رزمی بخشهای مختلف طبقه خود ولو حلزونی گامهائی به جلو برداشته ایم، اگر معلم هستیم، حداقل به اندازه گذشته خود را جدا از سایر هم‌زنجیران نمی بینیم، به کارگر بودنمان اذعان و بر ضرورت تحکیم همپیوندی طبقاتی تأکید می‌ورزیم، اگر کارگر کارخانه، راننده، بهیار، پزشک، پرستار، مترجم، روزنامه نگاریم بیش از پیش به همین باور بالا رسیده ایم. ما تا اینجا به جلو شتافته ایم اما مسلما و بدون هیچ تردید هنوز در گام های نخست راه هستیم، شاید در نقطه صفر قرار داریم اما شروع نموده ایم و جوش و خروش پیمودن راه وجودمان را در خود پیچیده است، ما هیچ چاره دیگری نداریم. گام بعدی ما پیش کشیدن خواسته‌های بالا است، آحاد توده های طبقه ما اگر نه همه، اما در سطحی چشمگیر دریافتند که با چند تومان افزایش سالانه مزد و کاهش هم‌زمان مزدهای واقعی به حد نصف، زیر فشار گرانی انفجار آمیز، هیچ شانسی برای زنده ماندن نیست، آنان که هنوز این را درنیافته اند، خیلی زود در خواهند یافت. بدیل جستجوی بیهوده و بدون هیچ نتیجه افزایش مزدها، عبور از قفل کردن زندگی به مزد و پیش کشیدن خواست تسلط بر سرنوشت کار، تولید و زندگی است. این شعاری است که همین چندی پیش هم‌زنجیران بازنشسته ما در خیابان هاسر دادند، مطالبات ما مسلما رادیکال هستند اما این مطالبات رادیکال از عمق شرائط رعب انگیز روز زندگی ما می‌جوشند و به همین دلیل واقعی و عملی هستند، ما باید این مطالبات را فریاد رسای کل طبقه خود سازیم، صدای جنبش جاری خود گردانیم، اگر چنین کنیم، آنگاه بلادرنگ خود را در مقابل این سؤال خواهیم یافت که چگونه و با کدامین سلاح قرار است خواست‌ها را بر دشمن تحمیل و طبقه سرمایه دار و دولت‌ش با تمامی زرادخانه‌های قدرتش را به عقب و به سمت نابودی رانیم، جواب این پرسش را از هم اکنون داریم اما باید آن را از حالت جمله بندی، نظر، استدلال خارج و واقعیت و قدرت یک جنبش سازیم. باید یک قدرت سازمان یافته شورائی ضد بردگی مزدی گردیم. باید دست به کار برپائی شوراها شویم، یک جنبش نیرومند شورائی ضد سرمایه داری به وجود آریم، با این جنبش به پیگیری خواست‌های بالا پردازیم. همه این ها ممکن است اما فراتر از ممکن بودن، هیچ راه دیگری در پیش روی طبقه ما وجود ندارد.

«سود ساز از درد و رنج» توطئه سرمایه

نفس شیوه ی تولید سرمایه داری بر رابطه ای قرار دارد که استثمار انسان از انسان را ممکن می سازد. نه این که در شیوه های تولید قبلی استثمار وجود نداشته است بلکه به طور مثال در برده داری انسان برده در بست کل زندگی اش به برده دار تعلق داشت حتی بچه هایش به برده دار تعلق پیدا می کردند و تصمیم فروش و زندگی و مرگش با او بود. یا در دوره فئودالیسم دهقان وابسته به زمین برای ارباب مجبور به بیگاری بود و می توانست تکه زمینی هم برای خود داشته باشد. زن و کودکانش گرچه متعلق به خودش بودند اما آن ها هم به موقع مجبور به بیگاری، خدمتکاری، تن دادن به سوء استفاده جنسی و اجرای اوامر ارباب بودند اما در سرمایه داری کارگر نه برده به آن شکل است و نه وابسته به زمین. هیچ دارایی ای ندارد به جز نیروی کار خود اما سرمایه داری رباکارانه چنین می نماید که کارگر انسان آزادی است که در رابطه ای آزاد در مقابل سرمایه دار قرار می گیرد و آزادانه نیروی کارش را به این یا آن سرمایه داری که مایل باشد می فروشد و دستمزدی در ازای کاربرد نیروی کارش دریافت می کند که از این رابطه ی آزاد بیرون می آید. در واقع اما این طور نیست. اولاً کارگر مجبور به فروش نیروی کارش است. ثانیاً نیروی کارش کالایی است مثل هر کالای دیگر که به قیمت بازار-بازار کار- که در آن عواملی چون تقاضا و عرضه ی نیروی کار، رقابت بین کارگران برای فروش نیروی کار، حجم ارتش بیکاران یا نیروی ذخیره ی کار و شرایط اقتصادی و سیاسی و قانون کار و توان طبقاتی در مقابل طبقه ی سرمایه دار دخیل است، فروخته می شود. با این تفصیل وقتی این معامله صورت می گیرد کارگر دیگر حتی این آزادی دروغین را هم ندارد و دیگر نیروی کارش هم به خودش تعلق ندارد بلکه مایملک سرمایه دار می شود و او می تواند هر جا که بخواهد این نیرو را بکار گیرد. دیگر به کارگر مربوط نیست که با نیروی کارش چه می شود؛ چه چیزی تولید می شود؛ به چه منظوری تولید می شود؛ به چه اندازه تولید می شود؛ برای چه کسانی تولید می شود؛ چگونه و به چه قیمتی فروخته می شود. این چیزی است که به آن بیگانگی می گویند. بیگانه به نیروی کار خود، بیگانه نسبت به کاری

که می‌کند و بیگانه نسبت به کسانی که با او در انجام این کار شریکند. به کارگرانی فکر کنید که مین، انواع بمب، هواپیمای جنگی، اسلحه، گازهای سمی شیمیایی، اسلحه بیولوژیک، موشک و غیره تولید می‌کنند. این شاید اوج بیگانگی و از خود بیگانگی و بیگانگی با دیگر انسان‌ها باشد. این شرایط را سرمایه داری به انسان‌های کارگر تحمیل می‌کند که برای سیر کردن شکم خود و خانواده تن به چنین کار انسان‌ستیزی می‌دهند. مسلم است که آگاهی طبقاتی و همبستگی طبقاتی در بازدارندگی کارگر نقش مهمی بازی می‌کند. سرمایه داری با اختصاص ثروت اجتماعی به بخش کوچکی از جمعیت - سرمایه داران - فقر را همگانی کرده است، بنابراین نابرابری اجتماعی خصلت ذاتی سرمایه داری است و از مناسبات آن می‌آید. در گزارش جدید اکسفام "سود ساختن از درد ورنج" اطلاعات آماری وحشتناکی آمده است اما طبق معمول نهادهای تحقیقاتی نظام سرمایه داری آن را نه ناشی از خصلت سیستم سرمایه داری بلکه فرار سرمایه داران از پرداخت مناسب مالیات، سود جویی آنان و غیره می‌بینند و پیشنهادهایی برای تعدیل، اصلاحات و بهبود چهره ی سرمایه داری به دولت‌های سرمایه داری ارائه می‌دهند. ما بدون توجه به این دلسوزی‌ها از نتایج مطالعات برای نشان دادن چهره ی واقعی سرمایه داری استفاده می‌کنیم گرچه زندگی روزمره هر کدام از ما خود این سیاهی را فریاد می‌زند ولی چنان مشغول درد می‌شویم که عامل آن را فراموش می‌کنیم یا فرصت فکر کردن به آن پیدا نمی‌کنیم. در گزارش آمده است:

"شرایط اقتصادی ناشی از کوید ۱۹ و افزایش قیمت‌های انرژی و مواد غذایی به دنبال جنگ در "اکراین" در سال ۲۰۲۲ به گونه ای شده است که فقر و نابرابری اجتماعی را دامن زده است. در حالی که بیش از یک چهارم میلیارد انسان درگیر این وضعیت هستند و به فقر مفرط افتاده اند، کنسرن‌ها و سوپرپرولت‌مندان، از این وضعیت پول پارو می‌کنند. گزارش ادامه می‌دهد در ۱۱ مارس ۲۰۲۲ تعداد ۲۶۶۸ میلیارد زن و مرد در جهان وجود داشت که ۵۷۳ میلیارد بیش از آغاز پاندمی در سال ۲۰۲۰ بود. یعنی در فاصله ی این دو سال ۵۷۳ میلیارد دیگر به میلیاردرها افزوده شده است. دارایی این میلیاردرها در مجموع ۱۲/۷ بیلیون دلار (تریلیون در فارسی، مساوی با ۱۰ به توان ۱۲) است. آن‌ها به خاطر پاندمی ۳/۷۸ بیلیون دلار به سرمایه‌شان اضافه شده است که برابر ۴۲٪ کل سرمایه‌شان است. مجموع دارایی آن‌ها برابر است با ۱۳/۹٪ تولید ناخالص جهان. همزمان با این وضعیت ۲۶۰ میلیون انسان به دلیل پاندمی و افزایش قیمت‌های مواد غذایی در خطر افتادن به فقر قرار گرفته‌اند. در این جا به ذکر مثال‌هایی در موارد مختلف پرداخته می‌شود:

مثال در رابطه با بخش مواد غذایی: افزایش قیمت مواد غذایی در سال گذشته ۳۳/۶٪ بود و برای سال ۲۰۲۲ یک افزایش ۲۳٪ انتظار می‌رود. در ماه مارس ۲۰۲۲ بالاترین افزایش قیمت مواد غذایی رخ داد

که از زمان آغاز محاسبه توسط سازمان ملل در سال ۱۹۹۰ یک رکورد بود. دارایی های انباشته شده ی میلیاردی مواد غذایی و کشاورزی در دو سال گذشته ۳۸۳ میلیارد دلار بود که ۴۵٪ افزایش داشت.

مثال در رابطه با بخش دارویی: کنسرن های دارویی تنها با مواد واکس کرونا سودی بیش از ۱۰۰۰ دلار در ثانیه داشته اند و واکسن ها را به دولت ها ۲۴ برابر قیمت تولید آن فروخته اند. پاندمی سبب سر برآوردن ۴۰ میلیارد دلار شده است که از انحصار شرکت تولید کننده روی مواد واکسن، معالجه بیماران با آن و انجام تست ها بوجود آمده است. در مجموع در جهان ۱۱/۶ میلیارد دوز واکسن تهیه شد یعنی بیش از یک و نیم برابر جمعیت جهان، اما در کشورهایی با درآمد پایین به دلیل عدم توان خرید واکسن کافی، تنها ۱۳ درصد جمعیت آن ها واکسینه شده اند. ۴ برابر بودن تعداد مرگ و میر ناشی از کرونا در این کشورها نسبت به کشورهای ثروتمند بیان این تفاوت است.

مثال در رابطه با بخش حمل و نقل: شرکت حمل و نقل هایپاک لوید هامبورگی با پاندمی قیمت های خدماتش را هزار برابر بالا برد و در سال ۲۰۲۱ رکورد سود ۹/۳ میلیارد یورویی را حاصل کرد. دومین ثروتمند آلمانی کلاوس میثائیل کوهنه مالک ۳۰ درصد سهام هایپاک لوید است. او به تنهایی در این سال ۱/۹ میلیارد یورو از سود سهامش حاصل کرده است.

مثال در رابطه بی عدالتی جنسیتی: شمار زنان شاغل در سال ۲۰۲۱ نسبت به ۲۰۱۹ در جهان ۱۳ میلیون کاهش داشته است، در حالی که در این سال دوباره شمار مردان شاغل به سطح سال ۲۰۱۹ برگشته است. هدف عدالت جنسیتی - درآمد برای برابر کردن دست مزد زنان با مردان در کار مشابه - دائما از دسترس دورتر می شود. البته از آغاز انقلاب صنعتی در انگلیس تا کنون همواره از کار زنان به عنوان نیروی کار ارزان استفاده شده است اما به این معنی نیست که به مردان دست مزد عادلانه پرداخت می شود. کار مزدی هیچ گاه نمی تواند عادلانه شود سوا از این که نیروی کار مرد یا زن باشد، تازه کار کودکان هم با زمان بالا رفته است. زمان لازم برای این امر دیگر بیش از یک نسل افزایش یافته و به ۱۰۰ در مقابل ۱۳۶ رسیده است.

مثال در رابطه با نابرابری بین کشورها: گزارش معتقد است که قبل از پاندمی نابرابری در حال کاهش بود اما اکنون دوباره در حال افزایش است. به موجب وجود بدهی های خارجی عظیم بهبود وضعیت زندگی مردم در این کشورها به هم ریخته شده است و ۶۰٪ کشورهای با درآمد ضعیف در مرز ناتوانی بازپرداخت بدهی ها قرار گرفته اند. کاش محاسبه می کردند و ارائه می دادند که وام و اعتبار اولیه چقدر بوده و برای چه چیزی داده شده است، سودی که می بایست در افزایش پرداخت شود چقدر بوده و تا حال چه مقدار از آن بازپرداخت شده است و آیا اصولا این بازپرداخت ها توانسته تا کنون به خود وام و اعتبار برسد یا نه هنوز درگیر پرداخت سود است.

سرمایه، نابودر جانداران

پیش‌درآمد کووید ۱۹ و بروز اپیدورها

در نوشته‌های پیشین چنین گفتیم «کشاورزی صنعتی هند با کاربرد هرچه وسیع‌تر آفت‌کش‌ها به جنگ حشرات و جانوران ریز می‌رود، این هر دو دست‌بدها باعث کاهش تعداد آسیابک‌آب‌نشین و بروز و گسترش دوباره اپیدمی مالاریا در سال‌های اخیر شده‌اند». این فقط نمونه‌ی فاجعه‌بزرگی است که از چندین دهه پیش از جانب سرمایه برای جانوران اعم از ریزترین تا درشت‌ترین آن‌ها در سراسر این جهنم برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود. جهت تشریح علل بروز پاندمی‌ها مقدماتان به تشریح مبانی آن می‌پردازیم.

در جلد اول این مجموعه گفتیم: امروزه (سال ۲۰۱۵) حدود ۱۰ میلیون ماده شیمیایی شناخته شده در جهان وجود دارد. از این حدود ۵۰ هزار بطور فعال در کالاهای مختلف بکار می‌روند. اگر اعتراضات دهه ۷۰ باعث قطع استفاده از موادی چون دی‌دی‌تی و پی‌وی‌سی گردید امروزه ده‌ها هزار ماده مشابه جای آن را گرفته‌اند. گزارش «صندوق جهانی طبیعت» (دبلیو دبلیو اف) در اکتبر سال ۲۰۱۸ وضعیت فاجعه‌بار جانوران تا آن تاریخ را نشان می‌دهد. این گزارش می‌گوید طی اندکی بیش از چهار دهه اخیر، ۶۰ درصد حیات وحش، از پستانداران تا ماهیان و ماکیان از میان رفته‌اند. این گزارش «صندوق جهانی طبیعت» در برگزیده داده‌هایی از سال ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۱۴ است: در این بازه زمانی شمار پستانداران، پرندگان، ماهیان، خزندگان و دوزیستان، ۶۰ درصد کاهش پیدا کرده‌است. بر اساس مطالعاتی که «انجمن جانورشناسی لندن» بر روی ۴ هزار و ۵ گونه از مهره‌داران و نیز در زمینه شاخص تنوع زیستی که مبنای گزارش فوق قرار گرفته در فاصله سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۴ میلادی انجام داده است، ۶۰ درصد انواع جانوران مهره‌دار وحشی شامل ماهی‌ها، پرندگان، پستانداران، دوزیستان و

خزندگان از بین رفته اند. در این گزارش گفته شده در چهار دهه گذشته شمار مهره‌داران در آمریکای جنوبی و مرکزی ۸۹ درصد کاهش پیدا کرده است. گونه‌های ساکن در آب‌های شیرین نیز ۸۳ درصد کم تر شده‌اند. این گزارش ۱۱ نقطه مهم در جریان نابودی جنگل‌ها را نیز شناسایی کرده است؛ نقاطی که تخریب گسترده‌ای صورت گرفته و در دهه پیش رونیز این تخریب ادامه پیدا خواهد کرد. برخی دیگر از این نقاط عبارت هستند از آمازون -جایی که رئیس‌جمهوری تازه انتخاب‌شده برزیل از احتمال خروج کشورش از پیمان مقابله با شرایط اقلیمی سخن گفته- حوضه آبریز کنگو، سوماترا و بورنیو در اندونزی و مالزی، جایی که سال‌هاست در مورد تخریب گسترده جنگل‌های استوایی هشدار داده می‌شود. محتوی گزارش نابودی گونه‌ها و حیات وحش بین ۱۰۰ تا هزار بار پرشتاب‌تر از نرخ‌های پیشین، یعنی قبل از آن که عامل روابط تولیدی سرمایه‌داری دلیل اصلی باشد، انجام می‌گیرد. وزغ طلایی؛ آخرین آن‌ها در سال ۱۹۸۹ دیده شد. سودان؛ آخرین کرگدن سفید شمالی که عمر او و نسلش به بهار این سال نرسید. اورانگ‌اوتان در سوماترا؛ تخریب گسترده جنگل در سوماترا سال‌هاست زندگی این جانور را با خطر جدی روبه‌رو کرده است. در نوامبر سال ۲۰۱۸ پژوهشگران استرالیایی در گزارشی چنین می‌گویند: داروهای مدرن برای درمان انسان از طریق فاضلاب به چرخه غذایی حیوانات وارد شده و سبب برهم خوردن سیستم‌های زیستی آنها می‌گردد. این پژوهشگران با مطالعه بر روی حیواناتی که در مجاورت شش رود در نزدیکی شهر ملبورن استرالیا زندگی می‌کنند دریافتند که در بدن آنها مقادیر بالایی از داروهای ضد درد، داروهای ضد افسردگی و سایر داروها وجود دارد. این داروها پس از عبور از سیستم‌های فاضلاب شهری وارد آب‌های این مناطق شده‌اند. در این پژوهش وجود ۹۸ داروی رایج مورد مصرف انسان در بدن آبیژان، پستانداران و حشراتی که در این نواحی زندگی می‌کنند بررسی شده است. به عنوان مثال در بدن حیواناتی چون فزل‌آلا و پلاتی‌پوس که در آب زندگی می‌کنند مقادیر قابل توجهی داروی ضد افسردگی یافت شد. در مقابل، بدن حشرات حاوی مقادیر زیادی داروهای ضد درد، داروهای ضد قارچ، آنتی‌بیوتیک و داروهای ضد فشار خون بود. گرچه این تحقیق در استرالیا صورت گرفته اما وجود آن در کشورهای دیگر غیرمحمتمل نیست. در فوریه سال ۲۰۱۹ تحقیقات تازه‌ای که در ژورنال «بیولوژی‌کال کانسرویشن» منتشر شد، نشان می‌دهد که کاهش روز افزون شمار و گونه‌های مختلف حشرات، می‌تواند تاثیری «فاجعه‌بار» بر محیط زیست گذاشته و حیات انسان بر زمین را با خطر نابودی روبه‌رو کند. بنا بر تحقیقات موجود در حدود ۴۰ درصد از جمعیت انواع حشرات کاهش پیدا کرده است و روند کاهش آن‌ها هشت بار سریع‌تر از روند کاهش پرندگان، پستانداران و دیگر گونه‌ها است. بنا بر برآوردهای موجود حشرات ممکن است طی سده پیش رو به طور کلی در معرض نابودی کامل قرار گیرند. حشرات، از نظر تعداد، دو سوم حیات بر زمین را تشکیل می‌دهند و یکی از عوامل اصلی در چرخه حیات به شمار می‌روند. آن‌ها به‌گفته‌افشانی

درختان کمک می‌کنند، به ثبات خاک یاری رسانده و غذای گونه‌های دیگر جانوران هستند. در نتیجه نابودی آن‌ها خطرات بازگشت‌ناپذیری برای کره زمین خواهد داشت. نویسنده تحقیقات تازه در گفتگویی ذکر می‌کند «اگر جلوی نابودی حشرات گرفته نشود، پیامدهای آن چه بر اکوسیستم کره زمین و چه برای بقای بشر، فاجعه بار خواهد بود». در ماه می سال ۲۰۱۹ گروهی از پژوهشگران در گزارشی که برای سازمان ملل متحد تهیه شده است هشدار دادند که به شکلی «بی سابقه» یک میلیون گونه جانوری و گیاهی کره زمین در معرض انقراض قرار دارد. بنا به نتیجه گزارش سازمان ملل از هشت میلیون گونه جانوری و گیاهی جهان یک میلیون گونه طی چند دهه آینده در معرض انقراض قرار دارند. دانشمندان اعلام کرده‌اند که کشاورزی صنعتی و ماهی‌گیری صنعتی انبوه عوامل اصلی موثر در انقراض گونه‌های مختلف هستند. به گفته این گروه از پژوهشگران سرعت انقراض گونه‌های مختلف دهها هزار بار از میانگین خود طی ۱۰ میلیون سال گذشته بیشتر شده است. این تخریب از نابودی صخره‌های مرجانی زیر اقیانوس تا خشک شدن جنگل‌های بارانی و بدل شدن آنها به دشت‌های هموار را در بر می‌گیرد. تعداد پستانداران وحشی ۸۲ درصد کاهش یافته، اکوسیستم‌های طبیعی حدود نیمی از وسعت خود را از دست داده‌اند و میلیون‌ها گونه در خطر نابودی قرار دارند. زیستگاه‌ها، تالاب‌ها بیشترین تخریب را متحمل شده‌اند. ۷۳ درصد آنها از سال ۱۷۰۰ تا کنون از بین رفته‌اند که عواقب ناخواسته آن برای کیفیت آب و حیات پرندگان بوده است. جنگل‌ها به خصوص جنگل‌های استوایی در حال ناپدید شدن هستند. در ۱۳ سال اول قرن اخیر، وسعت جنگل‌های دست نخورده ۷ درصد کاهش یافت (تقریباً برابر با مجموع وسعت دو کشور فرانسه و انگلیس). اقیانوس‌ها دیگر از گزند سرمایه دست نیافتنی نیستند. تنها ۳ درصد وسعت دریاها از فشار سرمایه‌ها در این حوزه پیش‌ریز در امان هستند. ماهیگیری صنعتی در بیش از نیمی از اقیانوس‌ها به وقوع می‌پیوندد و یک سوم جمعیت ماهیان را بیش از حد شکار کرده‌اند.

بنا بر پژوهشی در کالیفرنیا در آوریل ۲۰۲۰، جمعیت شاه پروانه‌ها یا پروانه‌های مونارک با کاهش ناگهانی ۸۶ درصدی در سال ۲۰۱۸ مواجه شد. برخی حشرات مضر نامیده می‌شوند، زیرا کشاورزی صنعتی از مدت‌ها پیش آن‌ها را مانع بزرگی در افزایش بارآوری کار کشاورزی صنعتی می‌بیند. در طبیعت چنین تقسیم‌بندی اساسی معنی است زیرا موجودات زنده در یک تعادل زیستی هارمونیک طی میلیون‌ها و بلکه میلیاردها سال زندگی کرده‌اند، اکنون و از مدت‌ها پیش روابط تولیدی سرمایه‌داری نقش خدایان باستانی را ایفا می‌کنند و با توجیه مضر و مفید بودن جانوران و بخصوص حشرات کاربرد حشره‌کش‌ها و کلیت آن چه ضد آفت نامیده شده را موجه جلوه می‌دهند، نامیدن موجودات ریز که در طبیعت صدها میلیون سال پیش از ظهور انسان وجود داشته‌اند بنام‌هایی نظیر «آفت» فقط جهت کاربرد سموم در کشاورزی و دام‌پروری صنعتی در دوران کوتاه سرمایه‌داری صنعتی متداول شده است. در مجلد اول

و دوم این مجموعه بطور مفصل به نقش تخریبی و نابود کننده جانوران و گیاهان پرداخته شده است. حشرات نقش تعیین کننده‌ای در طبیعت و حفظ زیست بوم‌ها برای همه جانداران دارند. حشرات حتی ساختارهای زیستی موجوداتی که می‌میرند را متلاشی می‌کنند که باعث تجزیه سریعتر آنها و حفظ طبیعت می‌شود. این کار باعث غنی شدن دوباره خاک می‌گردد. حشرات با تسریع تجزیه زباله‌های زیستی، به پاکیزه ماندن زمین کمک می‌کنند. انسان بدون وجود حشرات، در میان مدفوع خود و بقایای جسد جانوران شناور می‌شود! حشرات هم‌چنین غذای پرندگان و خفاش‌ها و پستانداران کوچک هستند. دکتر فرانسیسکو سانچز-بایو از دانشگاه سیدنی می‌گوید: "حدود ۶۰ درصد مهره‌داران برای بقای خود نیازمند حشرات هستند، بسیاری از گونه‌های پرندگان، خفاش‌ها، قورباغه‌ها و ماهی‌های آب شیرین بدون وجود حشرات نابود می‌شوند". چرخه مواد غذایی به شدت به فعالیت میلیون‌ها حشره‌ای که زیر زمین و در پهنه‌های آبی و اقیانوس‌های کره زمین زندگی می‌کنند، بستگی دارد. حشرات علاوه بر اینکه منبع ارزشمند مواد غذایی برای گونه‌های دیگر هستند و با فعالیت باز یافتی خود زیست بوم‌های کره زمین را نجات می‌دهند، خدمت مهم رایگان دیگری هم به کشاورزی صنعتی سرمایه می‌کنند: گرده افشانی که نقش مهمی در تولید غذا دارد. پژوهشی برآورد کرده کشاورزی صنعتی سرمایه داری حدود ۳۵۰ میلیارد دلار از خدمات رایگان حشرات سود می‌برد. دکتر سانچز-بایو می‌گوید: "حشرات در گرده افشانی بیشتر گیاهان گلدار، از جمله در ۷۵ درصد از محصولات کشاورزی، نقش دارند". برای تولید شکلات به ۱۷ گرده افشان نیاز است که ۱۵ تا از آنها موجودات ریز هستند. یکی از آنها نوعی مورچه خیلی کوچک و یکی دیگر هم نوعی بید خیلی ریز است که انسان چیز زیادی از آن‌ها نمی‌داند اما کشاورزی صنعتی سرمایه داری پیش از این که آن‌ها را بشناسد از بین می‌برد. فقط می‌دانیم که در خیلی از کشورها، تعداد گونه‌های گرده افشان مثل زنبورهای عسل وحشی در حال سقوط است. بعضی از انواع معروف پروانه‌ها از جمله شاه پروانه‌ها یا پروانه‌های موناک که در گرده افشانی بسیاری از گل‌های وحشی نقش دارند هم در حال از بین رفتن هستند. جهان حشرات برای ما انسان‌ها بسیار بزرگتر از آن است که بتوانیم آن را دریابیم. هنوز در مورد تعداد گونه‌های حشرات بر روی زمین فقط تخمین زده می‌شود که چیزی بین ۲ تا ۳ میلیون گونه هستند. برخلاف پستانداران، تحقیقات طولانی مدت بر روی حشرات به طور محدودی انجام شده و بسیاری از آن‌ها پیش از این که شناخته شوند از بین برده می‌شوند. گزارشی که در مجله بیولوژی کال کانسرویشن در فوریه ۲۰۱۹ منتشر شد، دورنمای فاجعه بار و غم‌انگیزی را ترسیم می‌کند. در این گزارش آمده است که زیست توده یا بیومس حشرات در آلمان، بریتانیا و پورتوریکو، سه کشوری که تعداد حشرات به طور مداوم در طول ۳۰ سال اخیر بررسی شده است؛ نشان دهنده ۲/۵ درصد کاهش در هر سال است (چیزی در حدود ۷۰ درصد در طول این مدت). جمعیت ۴۱ درصد از گونه‌های حشرات در

همة مکان‌های بررسی‌شده تاکنون رو به کاهش بوده است. پژوهشگران ایالات متحده در جزایر کارائیب و پورتوریکو، دریافتند که تعداد حشرات در طول چهار دهه گذشته کاهش عظیم ۹۸ درصدی داشته است. دکتر سانچز-بایومی گوید: "اگر جریان فعلی متوقف نشود، ما در همین قرن، شاهد نابودی میزان بالایی از گونه‌های حشرات خواهیم بود (بیش از متوسط ۴۱ درصد امروزی)". "نسبت مشابهی از گونه‌ها تغییری در تعدادشان نداشته‌اند چون درصد کوچکی از گونه‌ها افزایش پیدا کرده‌اند و فراوانتر شده‌اند و شاید جای خالی آن گونه‌هایی که نابود شده‌اند را پر کرده‌اند". این امر بدین معنی است که تعادل بزرگی که طی میلیون‌ها، بلکه ملیاردها سال بین حیوانات و بخصوص حشرات وجود داشته در حال تغییری بسیار عظیم است که نتایج فاجعه‌بار آن قابل پیش‌بینی نیست اما بروز انواع اپیدمی‌ها و پاندمی‌ها بین حیوانات و جوامع بشری بیشتر و بیشتر امکان وقوع دارند. نابودی زیستگاه‌ها به دلیل کشاورزی صنعتی دلیل اصلی از بین رفتن حشرات است، برای مثال مگس‌هایی که در گرده افشانی درختان کاکائو نقش داشتند، منقرض شده‌اند. دکتر مک‌الیستر می‌گوید: "این مگس‌های کوچک برای دوران بزرگسالی خود به این درختان نیاز دارند تا آنها را بارور کنند. لارو آنها در برگ‌های خشک درخت زندگی می‌کند. با آغاز به کشاورزی تک‌کشتی از درختان سایه‌گستر که محل زندگی مگس‌های بزرگسال است، کاهش عظیمی رخ داده و بزودی از آن‌ها خبری نخواهد ماند و هم‌چنین از زیستگاهی که لارو آنها برای رشد نیاز دارد هم نشانی نخواهد ماند". افزایش استفاده از آفت‌کش‌های شیمیایی، گونه‌های مهاجم و گرمایش زمین هم در این کاهش نقش دارند. تحقیق "صندوق جهانی طبیعت"، (دبلیو دبلیو اف) در گزارش انتشار یافته دهم سپتامبر ۲۰۲۰ می‌گوید که جمعیت حیات وحش جهان در مدتی کمتر از ۵۰ سال بیش از دوسوم کاهش پیدا کرده است. از ۱۹۷۰ تا کنون، دوسوم از جمعیت جانداران کم شده است. رفتار و عملکرد نظم مسلط جهان عامل اصلی نابودی بسیاری از انواع و جانوران است. این سازمان می‌گوید طی ۵۰ سال گذشته ۶۸ درصد از جمعیت حیوانات و پرندگان و آبزیان کاسته شده است. پژوهشگران مهمترین علت رانابودی جنگل‌ها و گسترش زمین‌های کشاورزی می‌دانند. مارکو لامبرتینی، مدیر صندوق جهانی طبیعت، به خبرگزاری فرانسه گفته که نابودی حیات وحش در سال‌های اخیر به شدت شتاب گرفته است. بدترین افت جانوری در آفریقا (در نمونه گوریل‌های کنگو) و آمریکای لاتین و کارائیب پیش آمده است. سازمان یادشده در سال ۲۰۱۶ نابودی حدود ۶۰ درصد از دنیای جانداران را ثبت کرده بود و اکنون با گذشت تنها چهار سال، این سیر قهقرایی به ۷۰ درصد نزدیک شده است. به گفته لامبرتینی، این زمان کوتاه تنها "لحظه‌ای گذرا از میلیون‌ها سالی است که روی این سیاره جانداران بیشمار زندگی می‌کردند". تانیا استیل، مدیر دفتر بریتانیایی صندوق جهانی طبیعت، گفته است که حیات وحش با سوزاندن جنگل‌ها، صید صنعتی و بزرگ‌آبزیان و نابودی نواحی طبیعی "در حال سقوط آزاد" است.

تا کنون گفته می‌شد که امواج موبایل برای سلامتی انسان خطرناک است. حالا نتایج چندین تحقیق مشخص کرده که این امواج می‌توانند یکی از عوامل مرگ حشرات باشند. بر اساس نتایج یک مجموعه تحقیق، امواج منتشرشده از گوشی‌های موبایل می‌تواند دلیل مرگ حشرات در اروپا باشد. این نتیجه از بررسی ۱۹۰ پژوهش علمی از سراسر دنیا به دست آمده که انجمن حفاظت از محیط زیست آلمان با همکاری دو موسسه محیط زیستی دیگر گردآوری کرده است. این تحقیقات نشان می‌دهد که جدا از آفت‌کش‌ها و از بین رفتن زیستگاه‌ها و جنگل‌ها، افزایش پرتوهای الکترومگنتیک نیز "احتمالا تاثیر منفی بر زندگی حشرات" دارند. از میان ۱۰۰ تحقیق انجام‌شده در آزمایشگاه و نیز آزمایش‌های میدانی، ۶۰ پژوهش تاثیرات منفی سیگنال‌های تلفن‌های موبایل بر زنبورها، زنبورهای عسل و حشرات را نشان می‌دهند. این صدمات شامل از بین رفتن توانایی جهت‌یابی از طریق میدان‌های مغناطیسی تا آسیب زدن به ژن‌ها و لاروهای این حشرات می‌شود. به گزارش مجله تخصصی "جامعه پزشکی محیط زیستی" که نتایج این تحقیق در آن منتشر شده، دلیل این امر این است که امواج گوشی‌های موبایل و نیز تشعشعات اینترنت و وای‌فای، مجاری کلسیم سلول‌های داخل بدن حشرات را منبسط می‌کنند تا کلسیم بیشتری جریان پیدا کند. کلسیم یک ماده معدنی مهم است که باعث یک سری واکنش‌های زنجیره‌ای بیوشیمی در حشرات می‌شود. تاثیر تشعشعات گوشی‌های موبایل بر محیط زیست دست کم گرفته می‌شود. با توجه به ورود تکنولوژی نسل پنجم موبایل این روند شتاب بیشتری خواهد گرفت. یک سال بعد یعنی اگوست ۲۰۲۱ پژوهشی می‌گوید مطالعه آنها که در نشریه "ساینس ادونسنز" (پیشرفت‌های علمی) چاپ شده قوی‌ترین شاهد تا امروز از تاثیر مخرب آلودگی نوری بر جمعیت‌های بومی حشرات با عواقبی برای پرندگان و سایر گونه‌های حیات وحش است که برای تغذیه به کرم‌های ابریشم نیاز دارند. آلودگی نوری ممکن است از عوامل افت "نگران‌کننده" جمعیت حشرات در دهه‌های اخیر باشد. مطالعه‌ای که در بریتانیا انجام شده نشان داده که نور چراغ خیابان رفتار شب‌پره‌ها را مختل می‌کند و شمار کرم‌های ابریشم را به نصف می‌رساند. به نظر می‌رسد که نور چراغ‌های مدرن "ال ای دی" بیشترین تاثیر را بر حشرات داشته باشد. عوامل افت قابل توجه جمعیت حشرات پیچیده و متنوع است که شامل نابودی جنگل‌ها، باتلاق‌ها، دشت‌ها و مرداب‌ها، مصرف آفت‌کش‌ها در کشاورزی صنعتی، آلودگی رودها و دریاچه‌ها، امواج الکترومغناطیسی و استفاده از نور مصنوعی اکنون به عنوان یکی دیگر از عوامل افت جمعیت حشرات مطرح شده است.

یک مطالعه علمی منتشر شده در آوریل ۲۰۲۲ نیز نتیجه‌گیری کرده است که جمعیت حشرات در بعضی از بخش‌های جهان به دلیل تغییر آب و هوایی و کشاورزی صنعتی نصف شده است. به گفته این محققان در بریتانیا گرمایش و کشاورزی صنعتی عامل "افت جدی" جمعیت حشرات در سراسر جهان است. دکتر

چارلی اوتویت از دانشگاه کالج لندن، سرپرست تحقیق، می گوید نابودی جمعیت حشرات ممکن است نه فقط برای محیط طبیعی، بلکه برای "سلامت انسان و امنیت غذایی، به خصوص نابودی گرده افشانان" زیانبار باشد. افت شدید جمعیت حشرات در جهان - به اصطلاح "آخرالزمان حشرات" - باعث نگرانی گسترده شده است. ابراز نگرانی در این زمینه به هیچ وجه برای سلامتی انسان و آینده طبیعت نیست بلکه فقط از زاویه کاهش تولید سود سرمایه، نگرانی از احتمال افزایش هزینه های تولید است. با این حال داده های علمی تصویری ناهمگون ارائه می کند، به طوری که برخی از انواع حشرات شاهد افت چشمگیر جمعیت هستند، در حالی که جمعیت بقیه ثابت مانده است. در مطالعه تازه، محققان داده های مربوط به قلمرو و شمار تقریباً ۲۰ هزار گونه حشره از جمله زنبورها، مورچه ها، پروانه ها، ملخ ها، سنجاقک ها را در حدوداً شش هزار نقطه مختلف گرد آوردند. براساس این تحقیق که در "نیچر" چاپ شده در نواحی ای که تکنیک کشاورزی صنعتی با بار آوری بالایی کار به کار گرفته می شود و گرمایش ملموس بود، شمار حشرات ۴۹ درصد افت کرده است. این در مقایسه با وضعیت مکان های نسبتاً بکر است که تاکنون از شدیدترین آثار گرمایش پرهیز کرده اند. این پژوهش یکبار دیگر نشان می دهد که عوامل مختلف حاصل روابط تولیدی سرمایه داری بر روند تعادل و هارمونیک زندگی حشرات با دیگر جانوران و حتی گیاهان تاثیر بسیار خطرناک بر هم زنده دارد که نتایج آن فقط ناگهان با بروز امراض و اپیدمی ها نمایان می شود. سرمایه در سراسر جهان بر همه طبیعت از بی جان تا جانداران مسلط است و مالک می باشد. در هیچ کجای این کره هیچ حیوانی از گزند این هیولای مهیب در امان نیست. اگر موجودات زنده را به تصاحب مستقیم و مالکیت حقوقی در نیآورده، با ایجاد حصارها و مکان های معین زیست آن ها را به دام سرمایه توریستی و باغ وحش های عظیم و حوزه های جدید پیش ریز سرمایه تبدیل کرده است. حوزه توریسم سرمایه سال به سال در حال گسترش و انباشت عظیم است که حاصل آن جز نابودی جانوران خارج حصار و به دام افتادن بقیه نیست. چنین تغییراتی که در چند دهه اخیر رخ داده منشا اصلی بروز پاندمی کووید ۱۹ و اپیدمی های در راه است. تبدیل منابع طبیعی، گیاهان، جانوران در هوا، بر روی زمین و آب ها به سرمایه از ملزومات این روابط تولیدی است. جهت ریشه یابی مسائل زیست محیطی ناچاریم هر بار و در هر زمینه ای به تاریخ سرمایه داری و بخصوص سرمایه داری صنعتی مراجعه کنیم. شکار و کشتار حیوانات وحشی نه جهت ارتزاق از گوشت و پوست آن ها بلکه فقط بعنوان تفریح و قدرت نمایی از جانب سرمایه داری اروپا و بخصوص بریتانیا در افریقا و هند آغاز شد. این روند در حوزه های گسترش سرمایه صنعتی و تولید انبوه کشاورزی و دامداری گسترش یافت و ابعاد جهانی پیدا کرد. این آغاز تهاجم بزرگ سرمایه به طبیعت و منابع زمین بود اما به هیچ وجه پایان آن نبود. سرمایه داری از همان آغاز، در تدارک کنترل عوامل طبیعی و شرایط تولید کشاورزی از جمله تغییرات فصول، کیفیت و محتویات زمین،

آفات نباتی و نوع بذر بر آمد، اهمیت مسأله در سال های بعد از جنگ امپریالیستی دوم به اوج رسید، پیشرفت های چشمگیر تکنیکی این ایام نیز ساز و برگ لازم حصول این هدف را در اختیار صاحبان سرمایه قرار داد. دور طولانی کاشت، داشت و برداشت، مشکلات پیش بینی میزان محصول، خطر آفات نباتی و از بین رفتن تولیدات چه در هنگام بارور شدن و چه پس از برداشت و به گاه نگهداری، همگی عواملی هستند که این حوزه انباشت سرمایه را از سایر قلمروها متمایز می سازند و بر میزان بارآوری کار تأثیر می گذارند. با این حال برای این نظام یک چیز، شرط حیاتی و سرشتی است. دسترسی به حداکثر ارزش اضافی و این کار نیازمند توسعه انباشت همراه با افزایش بی مهار کار اضافی توده های کارگر به زبان کار لازم یا همان دستمزد آنان است. در این فرایند مکانیزه شدن کاشت و داشت و برداشت، انبار داری و ترانسپورت مسلماً نقش بسیار تعیین کننده ایفاء می نمایند و در بالا بردن میزان سود، سهم کافی بر دوش می گیرند. سرمایه در این گذر همسان تمامی قلمروهای پیش ریز و به حکم طبیعت نهادینش، راه تولید افراطی را پیش می گیرد، دستیابی به اقلام طلائی سود را همه چیز و نابودی انسان ها یا سیه روزی بی حدود آن ها در این راستا را ساده ترین و بی دریغ ترین کارها می بیند. هجوم سرمایه به طبیعت در حوزه کشاورزی به کاربرد وسیع آفت کش ها و سموم گره خورده است. در کشاورزی سرمایه داری حفظ ارزش مصرفی محصول در پروسه تولید و سامان پذیری، دستخوش مخاطرات زیادی است. آفات گیاهی مهم ترین و تأثیرگذارترین بخش این مخاطرات را تشکیل می دهند. فارمدار سرمایه دار برای فرار از تحمل هزینه های باز تولید محصول مورد هجوم آفت ها، راه استفاده از سموم دفع آفات را پیش می گیرد، او با این کار نه فقط هزینه های تولید مجدد را دور می زند که میزان ضایعات و خسارت ها را به حداقل ممکن می رساند. در یک کلام، توسل به کاربرد بی مهار سموم جزء لاینجزای پروسه ارزش افزائی سرمایه در حوزه کشاورزی و شرط حتمی حصول بیشترین اضافه ارزش ها یا سودهای دلخواه است. شالوده کار سرمایه بر تولید حداکثر کالا توسط حداقل نیروی کار، کاهش افراطی هزینه اجزاء مختلف بخش ثابت سرمایه، مرغوبیت حتی المقدور کالا و قدرت رقابت حداکثر در بازار سرمایه داری استوار است. تضمین همه اینها در کشاورزی صنعتی سرمایه داری، به استفاده گسترده از سموم دفع آفات گیاهی گره خورده است. پیامد های این هجوم آغاز نابودی جانداران اعم از گیاهان، موجودات روی زمین، هوا و آبیان بوده است. حشرات، جوندگان، علف های هرز، قارچ ها، باکتری ها، کرهها، پارازیت ها، عنکبوت ها و پرندگان موجوداتی هستند که توسط سموم تولید شده کمپانی های کشاورزی و شیمیایی مورد حمله قرار می گیرند. هجوم بزرگ دیگر تبدیل جنگل ها و مراتع به حوزه های پیش ریز سرمایه و نابودی زیستگاه های جانوران، گیاهان بوده است که پایانی بر آن نیست.

به همزنجیران! کجا ایستاده ایم؟ چه باید بکنیم؟

روز ۲۲ خرداد نمایش اعتراضی کارگران بازنشسته در میدان بهارستان نسبت به روزهای قبل گسترده تر و شدت قهر و خشم کارگران افزون تر بود. کثرت جمعیت به حدی رسید که قسمت جنوبی میدان نیز محل ازدحام معترضان شد. نیروهای دژخیم پاسدار سرمایه با قهر و خشم سبعانه به تجمع سه نفر به بالا حمله می کردند. کارگران برای گفتگو با محمل سازهایی لازم جلوی آب میوه فروشی ها جمع می شدند و با پوشش خرید آب میوه یا بستنی به رد و بدل حرف ها می پرداختند. ما همیشه این سؤال را پیش کشیده ایم که آیا تشکیل اجتماعات اعتراضی این گونه در مقابل مجلس بورژوازی و دخیل بندی به وحوش دولتمرد سرمایه قرار است گرهی از مشکلات کارگران بگشاید؟ هیچ بازنشسته ای به این سؤال پاسخ مثبت نداده است، با این وجود کارگران این کار را همچنان ادامه می دهند. چیزی که فقط حدیث فروماندگی، سرگردانی و بی افقی توده های همزنجیر عاصی و معترض ما است. وضع روز ما، گرسنگی، فقر، فلاکت و بیخانمانی ما محصول فشار استثمار سرمایه داری، حاصل سهمگینی هر چه بیشتر سببیت و قهر سرمایه علیه ما، با هدف تشدید هر چه فزاینده تر استثمار ما است، وضع چنین است و در مقابل این وضع دراز کردن دست «دادخواهی» پیش صاحبان سرمایه و نهادهای قدرت سرمایه داری نه فقط علاج درد نیست که تضعیف هر چه فاجعه بارتر موقعیت پیکار خویش و فرصت دادن به دشمن برای تحکیم روزافزون پایه های قدرت و حاکمیت خود می باشد، قدرت ضد کارگری، انسان ستیزانه سرمایه داری را تنها با قدرت سازمان یافته، آگاه، شورائی و افق دار کارگری می توان در هم کوبید. طبقه ما تمامی مصالح، ملاط و ملزومات اعمال این قدرت را دارد اما تا امروز هیچ گامی برای معماری آگاهانه، اعمال نقشه مند و به میدان آوردن آن علیه

سرمایه و با هدف رهائی خود برنداشته است. ما به صورت دهشتناکی پراکنده ایم، متشتت هستیم، صدتا، صدتا، هزارتا، هزارتا، متفرق، بیگانه با هم، بدون همدلی، بدون همراهی، همصدائی، همدردی علیه فشار کوبنده و مرگ آفرین سرمایه داری مبارزه می کنیم، همه دردی مشترک داریم، رنجی مشترک را فریاد می زنیم، همگی علیه گرسنگی، فقر، فلاکت، نداشتن دارو و درمان، نداشتن سرپناه و هزینه معاش در حال پیکار هستیم، اما هر تعداد، هر صد یا هزار نفر فقط به خودمان، به درد خودمان، به زنده ماندن خودمان، به یافتن راهی برای کاهش مصیبت های معیشتی خود می جنگیم، ما یک طبقه ایم اما حاضر به دیدن خویش به عنوان آحاد همزننجیر یک طبقه نیستیم، نه فقط به سمت هم نمی شنابیم که از همدیگر و گفتگو با هم دور می جوئیم. ریشه کل دردهای ما در نظام سرمایه داری است، رژیم حاکم، دستگاه اختاپوسی قهر، برنامه ریزی، نظم، قدرت و حاکمیت سرمایه است، اما ما حاضر به قبول این حقیقت عریان نیستیم، مشکل را در بی کفایتی دولت مردان و بی لیاقتی حاکمان می بینیم!!! این شکل کاویدن ریشه مشکلهای سدی بر سر راه قرار گرفتن ما در سنگر واقعی پیکار است، قدرت ما فقط در جنبش سازمان یافته شورائی ضد سرمایه داری است که می تواند رخ بنماید، ابراز گردد، اعمال شود، تعیین سرنوشت کند، در خارج از این جنبش ما فاقد این قدرت هستیم، اعتصاب محصور در چهار دیواری کارخانه هر چند که نوعی نمایش قدرت است اما قفل شدن در آن بستن سد بر سر راه برپائی قدرت سازمان یافته شورائی سراسری و طبقاتی خود است. جنگ ما با این یا آن سرمایه دار در این یا آن کارخانه نیست، سرمایه داران یک طبقه اند، به عنوان یک طبقه در مقابل ما قرار دارند، قدرت متحد و متشکل طبقاتی دارند، دولت و مجلس و ارتش و سپاه و بسیج و حوزه علمیه و ولی فقیه و پلیس و لباس شخصی، ماشین نظم و حاکمیت و سرکوب و اعمال قهر سراسری دارند. سرمایه دار با کل این قدرت اختاپوسی قهرآمیز که قدرت سرمایه است، در برابر ما تاخت تاز می کند، این قدرت را همه جا، در سراسر جامعه و جهان همراه خود و پشتوانه استثمارگری، سبعبیت، زورگوئی، تهاجم، تجاوز و سرکوب گری خود دارد، وضعی که ما در مقابل این قدرت بشرستیز قاهر به خود گرفته ایم، بیش از حد تصور فاجعه بار، دردآگین و غم انگیز است. صدتا، صدتا، جدا از هم، بیگانه با هم، در حال فرار از همدیگر، در درون این یا آن مرکز کار شروع به طرح خواست خویش می کنیم، قبل از هر چیز و مقدم بر همه چیز به سرمایه و دولت سرمایه داری نشان می دهیم که هیچ اعتراضی به استثمار شدن، کارگر بودن، فرودستی، حکومت شوندگی، همیشه کارگر ماندن خود نداریم!!، با نوع مبارزه، محتوای اعتراض، شکل هموردی و

تمامی دار و ندار فکر و عمل و رفتار و باور خود ثابت می کنیم که از استثمار شدن، از برده مزدی بودن، از برگی مزدی برای سرمایه داران اصلاً ناراضی نیستیم!! سوگند می خوریم که دولت سرمایه را دولت خود می دانیم!!، شهروند منقاد قانون و حقوق و نظم سرمایه هستیم!! ما حتی در مبارزه خود، موقعی که خشمگین و عاصی در مقابل سرمایه دار قرار می گیریم باز هم چنین وضع رقت بار و مفلوکی داریم و دقیقاً بر فراز همین فلاکت و فروماندگی است که شروع به استغاثه و طرح خواست خویش می کنیم!! می گوئیم گرسنه ایم، لقمه نانی می خواهیم تا نای کار کردن داشته باشیم و بیش از پیش برای سرمایه داران سود و سرمایه تولید کنیم!!! ما واقعا به چنین ورطه ای سقوط کرده و هر روز بیشتر در حال سقوط کردن هستیم، یک سؤال اساسی که همین جا در مقابل ما قرار می گیرد، این است که چرا سرمایه دار باید به خواست ما وقعی بگذارد؟؟ برای اینکه خیلی انسان است و دیگ بخشایش انسانی او بسیار جوشان است!! شاید بخشی از طبقه ما چنین انگارد، انگاره ای که انفجار شرمساری است. آیا برای اینکه صاحب سرمایه از قدرت ما می ترسد و خود را مجبور به تسلیم می بیند؟؟؟ کدام قدرت؟! مگر نه این است که ما خود، با همه وجود خویش از قدرت شدن، از یک قدرت سازمان یافته شورائی شدن، از اعمال این قدرت علیه سرمایه و طبقه سرمایه دار فرار می کنیم؟ مگر نه این است که سواى شمار ۱۰۰ نفری خود در تاریکخانه محل کار هیچ کارگر دیگری را شریک درد، رنج، مصیبت های خود نمی بینیم!! مگر نه این است که دشمن را سرمایه حاضر در همه جا، طبقه سرمایه دار، نظام بشرستیز سرمایه داری به حساب نمی آوریم؟؟ و در بهترین حالت فقط در وجود یک سرمایه دار خلاصه می کنیم!! مگر نه این است که ریشه بدبختی ها را در سرمایه داری نمی کاویم و به جای آن سراغ بی لیاقتی این و آن دولتمرد می رویم!! مگر نه این است که زیر فشار همه این غلط اندیشی ها، توهمات، شعورباختگیها، حاضر به پیش گرفتن راه قدرت شدن، یک قدرت سازمان یافته شورائی و ضد کار مزدی شدن نیستیم، متشتت، زمینگیر، مستأصل باقی مانده ایم و هیچ قدرتی نداریم، پس سرمایه دار از چی؟ از کدام قدرت ما بترسد و دست به عقب نشینی زند؟؟!!

به شکل مبارزات روزمان نگاه کنیم، ماههای متمادی است که کارگران پروژه ای نفت در نوعی اعتصاب منقطع اما غیرمختومه به سر می برند. هیچ بخشی از طبقه ما به حمایت جدی از آنان برنخاسته است. در همین مدت توده کارگر بخش آموزش (معلمان) برای افزایش مزد، به این یا آن نهاد دولتی روی نهاده اند!! همزمان شاهد انبوه شورشهای خیابانی کارگران در سطح شهرها بوده

ایم، هزاران کارگر گیلانی علیه آلودگی مرگزای محیط زندگی دست به راهبندان و تشکیل اجتماع زده اند، کارگران خوزستان طغیان علیه کشتار صدها همزنجیر توسط سرمایه دار صاحب برج متروپل را به خیل اعتراضات دیگر خویش زنجیر کرده اند. شمار اعتصابات درون مراکز کار مستمرا رو به اوج می رفته است، همه اینها با شدت و حدت جریان داشته است اما کل این پیکارها، عصیان ها و طغیان ها، هیچ فروغی از میدانداری و اعمال قدرت متحد ضد سرمایه داری، در هیچ سطحی، به هیچ میزانی از خود ساطع نساخته است. دهها میلیون کارگر، با درد ورنج و فقر مشترک، دشمن واحد، زیر فشار استثمار مشترک سرمایه، منکوب قدرت واحد سرمایه، جدا، جدا، گریزان از هم، سر سرمایه بر تن، شعور سرمایه در مغز، فکر سرمایه چراغ دست!؛ در برهوتی دور از سنگر واقعی جنگ ضد سرمایه داری، خود را کاهیده و فرسوده اند، با اتکاء به قدرت تاریخ آفرین خود چندین هزار اعتصاب برای روزهای طولانی راه انداخته و سازمان داده اند، اما نه متحد، نه همگام، نه همصدا، نه همگرا، که متفرق و صدتا، صدتا!! نه علیه سرمایه که علیه این یا آن سرمایه دار!! نه با دورنمای تسلط بر سرنوشت کار، تولید و زندگی خود، که با هدف زنده ماندن و یافتن نای کار برای برده مزدی سرمایه داران ماندن، نه علیه اساس استثمار طبقاتی که با میثاق وفاداری به ماندگاری بردگی مزدی، نه دست به کار برپائی جنبشی سازمان یافته، شورائی و سرمایه ستیز که مصمم به ادامه چانه زنی با سرمایه داران در چهاردیواری کارخانه ها، نه در تدارک سرنگونی طلبی ضد سرمایه داری که با شعار جایگزینی دولت مردان بی لیاقت توسط وحوش با کفایت سرمایه!! وضعیتی که از همه لحاظ فاجعه بار است. از این هم فاجعه بارتتر، هیچ نیازی به نقد رادیکال، طبقاتی و ضد کار مزدی این وضع احساس نمی کنیم، خودپو، خودجوش و به حکم شرائط زندگی و کار خویش به اندازه کافی برهوت پیمودن ها را آزموده ایم، از رژیم ستیزی توخالی فاقد بار ضد سرمایه داری به ستوه آمده ایم، با همه وجود دریافته ایم که پیاده نظام این یا آن اپوزیسیون راست یا چپ بورژوازی بودن چگونه ما را فرسوده و مضمحل ساخته است، انزجار از حزب بازی و سندیکاسازی بخش آگاه اندیشه و ادراک ما گردیده است، در قیاس با چند دهه پیش گامها به جلو برداشته و رشد کرده ایم، در سطح وسیعی می دانیم که معلم، بهیبار، پرستار، نفتگر، کارگر کارخانه یا مزرعه، راه، بندر، ساختمان، هتل، رستوران، فروشگاه، حمل و نقل شهری و بیابانی همگی کارگریم، آحاد یک طبقه ایم، به بهای صد سال پیکار بی امان دریافته ایم که آنچه زیر نام قانون، حقوق، مدنیت موجود است همگی طناب دار سرمایه بر گلوی ماست. همه اینها را کم یا بیش جزء شعور خود ساخته ایم، اما با همه این ها هنوز، هیچ سنگی بر روی سنگ برای میدانداری به صورت یک قدرت سازمان یافته، شورائی، ضد سرمایه داری نگذاشته

ایم و حتی مترصد معماری این قدرت نیستیم. این وضع بیش از آنچه تصور شود فاجعه آمیز است. باید به آن پایان داد.

کارگران آموزش باید از «تظلم جوئی» رقت بار فرساینده در آستان قدرت سرمایه دست بردارند، به جای اجتماع در مقابل مجلس، به سراغ همزنجیران در شرکت نفت، پارس جنوبی، پتروشیمی ها، خودروسازیها، رانندگان حمل و نقل شهری، بیابانی، شهرداری ها، کارگران کل کارخانه ها، بیمارستانها، فروشگاهها و مراکز دیگر روند، محل تظاهرات را به درب مراکز کار و تولید منتقل کنند، در آنجا بر سر همزنجیران فریاد زنند، بگویند ما نیز کارگر و عین شمائیم، معلم کودکان و نوباوگان شما هستیم، همگی یک طبقه ایم، توسط سرمایه استثمار می شویم، یک دشمن داریم، فقر و فلاکت همه ما ریشه در وجود بردگی مزدی دارد، علیه فشار استثمار سرمایه، علیه خفقان، دیکتاتوری، قهر اقتصادی، سیاسی، پلیسی، نظامی، امنیتی سرمایه در حال جنگ هستیم، جنگ ما جنگ شما است، چرخ تولید را از چرخش باز دارید، ما نیز چرخ آموزش سرمایه، چرخ شستشوی مغزی خود و کودکان توسط سرمایه را از کار باز داشته ایم، همگی دست در دست هم یک جنبش سراسری، شورائی، ضد کار مزدی بر پا داریم، این جنبش را قدرت متشکل طبقه خود کنیم، این قدرت را علیه سرمایه و طبقه سرمایه دار و دولت سرمایه داری وارد میدان سازیم.

کارگران میلیونی مرکز کار باید دیوارهای این مراکز را فروریزند، بساط کارگر این یا آن شرکت بودن را برای همیشه جمع کنند، خود را طبقه کارگر بینند، به سوی هم بشتابند، مبارزه پراکنده آکنده از تفرقه و تشتت را بیماری مهلک فرسایش توان پیکار بشناسند و راه درمان آن را در برپائی جنبش سراسری شورائی جستجو کنند. نقطه عزیمت پیکار را از میثاق کارگر ماندن به میعاد خلاصی از کارگر بودن تغییر دهند، خواست چند تومان مزد افزون تر را با مطالبه حق تسلط بر سرنوشت کار و تولید و زندگی جایگزین سازند. بازنشستگان باید دریابند که بدون همزمی، همسنگری و هم پیوندی با تمامی بخش های دیگر طبقه خویش هیچ قدرتی نیستند و نظام سرمایه داری آماده قبول هیچ خواسته آنها نیست، باید قبول کنند که برای حصول هر میزان انتظار خود نیازمند همجوشی طبقاتی و همپیوندی ضد سرمایه داری با کل توده های کارگر می باشند. تمامی آنچه بالاتر گفتیم ممکن است، هیچ کدام اینها اتوپی نیست، آنچه یقینا و قطعاً اتوپی است، تصور امکان زندگی وزنده ماندن در زیر سیطره موجودیت، بقا، قدرت، حاکمیت سرمایه است.

نگاه به غیر کارگران در گلبایگان، الیگودرز و چند شهر در چهارمحال بختیاری

گرسنگی، فقر، بیکاری و به دنبال آن مبارزه با نظام بانئ استعمار، فرودستی و سیاه روزی در این مناطق پیشینه ای به قدمت ظهور برده داری، فئودالیسم و سرمایه داری دارد. هر کدام از این شهرهای کوچک و بزرگ در تاریخ خود داستان هایی از فقر و نداری در یک سو، ددمنشی و درندگی طبقه مسلط و حاکم هر عصر در سوی دیگر و مبارزات استثمارشدگان و ستمکشان علیه فئودال ها و سپس سرمایه داران دارند. به واقع تاریخ این مناطق همانند تمامی نواحی دیگر دنیا، تاریخ مبارزه طبقاتی، تاریخ جنگ و جدال بین آنانی است که از دسترنج توده ها زندگی می کردند با کسانی که ثروت ها و سرمایه ها را می آفریدند، بین توده هایی که شبانه روز کار می کردند اما آه در بساط نداشتند و وحوشی که از حاصل استثمار آنان ثروت های اندوختند و سیل سرمایه های می انباشتند.

تاریخ در شیرازه خود تاریخ مبارزه طبقاتی است. در عصر ما هم تاریخ پیکار طبقه کارگر علیه سرمایه داری و طبقه سرمایه دار است. در این مبارزه، توده های کارگر ستون پیکارها بوده و فراوان رژیم ها را از اریکه قدرت به زیر کشیده اند اما رژیم درنده تر و سفاک تری را به تخت حاکمیت نشاندند. آنچه نصیب توده های کارگر شد، حاکمانی بودند که مدت ها با فریب و نیرنگ کارگران را سرگرم کردند و به نام حاکمیت مردم، وعده های توخالی مشحون از فریب و نیرنگ به خورد مردم دادند. توده های دهقان در گلبایگان، الیگودرز، جونقان و ... قبل از اصلاحات ارضی، ستون های فئودالیسم را فرو ریختند. کشاورزان چلیچه در مقابل محمد هیبرون برادر کوچک سردار اسعد که خواستار بیگاری کشیدن از دهقانان در ساخت قلاع اسعدیه بود، سر به شورش برداشتند. محمد هیبرون به رامهرمز فرار کرد. فرخ

شهر، حدود ۲۰ سال قبل از اصلاحات ارضی با فروش بخشی از آن به سرمایه داران و بقیه زمین های کشاورزی به دست دهقانان افتاد. در فارس، سامان و حتی دهات کوچکتر، کشاورزان با اتکا به نیروی خود اضمحلال زمینداری را فراهم کرده بودند. رژیم سلطنتی بورژوازی جواز دفن فنودالیسم را صادر کرد و آنها را برای تامین نیروی کار مورد نیاز بورژوازی و گرنه ستون فقرات نظام زمین داری از خیلی پیش در هم ریخته شده بود. مصدق هم در حفظ و دوام و به درازا کشیدن عمر فنودالیسم کم نگذاشت که خود بحث دیگری است.

فئودال های منطقه برای سهیم شدن در قدرت و حفظ نظام زمینداری و مقابله با کارگران که بر علیه گرانی نان و قند و شکر و به میدان آمده بودند، توده های بختیاری را بسیج کردند. همچون همپالگی تنکابنی اشان که به نام دفاع از «انقلاب مشروطیت» و در واقع نجات فنودالیسم و کسب قدرت از توده ها در این جنگ ها استفاده می کردند. مشهور است جمعی که متعلق به یک خانواده و یا یک طایفه بودند، بعد از فراری شدن محمد علی شاه، یکی از کاخ های قاچاری را به اشغال خود در آوردند و اعلام کردند: " این جا محل زندگی ماست. چرا این همه کاخ خالی باشد و ما بی سرپناه باشیم. " خبر به گوش سردار اسعد می رسد. با خیلی از افراد گوش به فرمانش به این کاخ می آیند و با عصا به گردن این خانواده می زند و همراهانش با توسل به زور این افراد را از کاخ بیرون می کنند. یکی از افراد این جمع می گوید: " پس ما اوکش خونه خان هستیم. " یعنی همه ما در خدمت خان بوده و هر کاری می کنیم برای خان یعنی سردار اسعد انجام می دهیم و ما پیاده نظام قدرت گیری و چپاولگری خان هستیم که می بایست از جان خود مایه گذاریم.

این جمله در آن زمان یا از زبان اشغال گران کاخ در آمده باشد یا نه، اما به مثابه یک ضرب المثل بر زبان ها جاری است و بیان واقعیت رفتاری است که خوانین بختیاری با توده ها داشتند. علاوه بر گرفتن بیگاری از توده ها، در ساخت قلاع و سهم بری از محصول کشاورزان، از آنها برای دست داشتن در قدرت مرکزی و حفاظت از مالکیت و تداوم نظام فئودالی به عنوان نیروی جنگی استفاده می کردند. توده های کارگریا در کومه های گلی زندگی می کردند و یا در فصل بهار و زمستان زیر چادر به سر می بردند و اجازه زندگی در خانه هایی که با قدرت و جانبازی بدست آورده بودند را نداشتند.

از فردای قیام ۵۷، مبارزات کارگری از سر گرفته شد. بزرگترین تجمع و اعتراض کارگری مبارزه کارگران بیکار و کارگران کوره پزخانه ها بود که در محوطه و جلوی آموزش و پرورش شهر کرد برگزار شد. کارگران

پس از تظاهرات خیابانی، آموزش و پرورش شهرکرد را به اشغال خود درآوردند و دوشب را در ساختمان آموزش و پرورش به سر بردند. در طول تظاهرات بهمن ۵۷، تجمعی به این گستردگی در شهرکرد سابقه نداشت. کارگزاران بورژوازی ناتوان از خاموش کردن جنبش کارگران بیکار به تهران توسل جستند. رژیم اسلامی سرمایه، خلخال جلا و فاشیست سرمایه را روانه شهرکرد کرد. این جلا رژیم سرمایه که برای استقرار رژیم اسلامی سرمایه از هیچ جنایتی فروگذار نمی کرد به وحشت افتاده بود. ابتدا در مسجد نزدیک آموزش و پرورش در مدح سازمان های چریکی سخن ها گفت و برای فریب توده های کارگر بیکار، استواری را که در تظاهرات علیه رژیم شاهنشاهی سرمایه یکی از جوانان شهر را کشته بود، در یکی از شهرهای نزدیک شهرکرد به تیر برق بست و اعدام کرد. اما کارگران بیکار همچنان ساختمان آموزش و پرورش را در اشغال خود داشتند. ترفندها و فریب کاریهای عامل سرمایه نتوانست کارگران را از بیکاری برای به دست آوردن مطالباتی چون کار و بیمه بیکاری باز دارد. شب هنگام به کارگران حمله کردند و پس از ضرب و شتم آنها تعدادی از فعالین این تجمع را دستگیر و مورد آزار و اذیت شدید قرار دادند. البته ندای مبارزه خلق با امپریالیسم سپر و مانعی سر راه مبارزه کارگران علیه سرمایه شد. کارگران برای کار و فرار از گرسنگی به میدان مبارزه آمده بودند. فعالین دو آتشه مبارزه خلق با امپریالیسم عملا از طرح خواست و بیمه بیکاری جلوگیری می کردند و می گفتند الان زمان طرح اینگونه خواست ها نیست. حزب توده علاوه بر این که خود را ذوب در ولایت امر سرمایه می دانست و عملا از رهبری بورژوازی حمایت می کرد، احترام خاصی برای این فاشیست سرمایه و پاسداران قائل بود. این جماعت هم در به شکست کشاندن کارگران بیکار نقش بسیاری داشتند.

با این مقدمه می خواهیم بگوییم توده های کارگر مناطقی که در خیزش علیه گرانی چند برابری دست به قیام زدند، طی سالها حاکمیت سرمایه چه در زمان رژیم دیکتاتوری شاهنشاهی و چه در زمان حاکمیت فاشیست اسلامی با افت و خیز مبارزه کرده اند و این خیزش ها بر علیه گرانی هم دنباله مبارزات کارگران در ذوب آهن و دیگر مناطق کارگری در رژیم سرمایه داری دوران پهلوی است که در این خصوص نقش مبارزات کارگران هفشجانی ذوب آهن قابل توجه می باشد.

همانطور که در بالا، کوتاه و مختصر به مبارزات کارگران اشاره شد، جنگ و ستیز با حاکمان در تاریخ این منطقه مثل دیگر مناطق دنیای سرمایه داری است. مصداق این جمله است که تاریخ جوامع، تاریخ مبارزه طبقاتی است. مبارزات کارگری در این سال های اخیر پر شور تر و بطور خودجوش در پیوند با یکدیگر بوده است. بعضی از کارگران همدر محیط کار با سرمایه مبارزه می کنند و هم در شورش های

خیابانی علیه گرانی حضور دارند. در اوج گیری مبارزات کارگران در اردیبهشت ماه امسال در برخی شهرهای جنوبی، مبارزات خودجوش ضد سرمایه داری نه تنها با شورش شهرهای الیگودرز و خرم آباد... و... گره خورد بلکه با اعتصاب سراسری کارگران پروژه ای همبستگی پیدا کرد، و شاید اگر بگویم کارگران در استان چهار محال و بختیاری در دو جبهه با سرمایه نبرد می کنند سخن دور از واقعیت نگفته باشیم. از یک طرف با سرمایه برای دستیابی به افزایش دستمزد و ده روز استراحت مبارزه میکنند و از طرف دیگر بر علیه گرانی می جنگند تا دولت فاشیست سرمایه آن دستمزد ناچیزشان را با گران کردن مایحتاج زنده ماندن خود و فرزندانشان نرباید. به سخن دیگر سرمایه، هستی کارگران را بطور همه جانبه مورد حمله قرار داده است. الان در شرایطی که سرمایه زندگی را برای فروشندگان نیروی کار به معنی واقعی کلمه سیاه تر از جهنم کرده است. کارگری میگفت در روزهای تعطیل با زن و فرزندانش، یک قطعه زمین به مساحت ۵۰۰ متر را با کار شبانه روزی آماده کشت کردم. ۵۰ نهال در آن کاشتم. امسال برای اولین بار میتوانستم تا حدی زندگی خود و خانواده ام را تامین کنم اما بیماری فرزندم باعث شد، حاصل کار شبانه روزی خود و همسر را برای بستری کردن فرزندم بفروشم. من تنها نیستم که در فقر و فلاکتی که سرمایه به وجود آورده دست و پا میزنم. اکثریت کارگران این منطقه شرایطی بهتر از من ندارند. همکارم مجبور شد سرپناهِش را بفروشد، اکنون مجبور شده است در روستا زندگی کند. اما میخواهم بگویم ما کارگران چهارمحال و بختیاری در شعله های جهنم سرمایه می سوزیم، اگر سر به شورش برداشتیم برای خلاصی از این شرایط بود. کارگری که گفته های بالا را ذکر کرد، می داند که هر روز زندگی او کمرنگ تر میشود اما چاره ای جز آن ندارد که منتظر مرگ عزیزش باشد. کارگران ایذه و شهرک ها و روستاهای اطراف از ابتدایی ترین امکانات اولیه زندگی بی بهره هستند، از داشتن آب لوله کشی مدرسه، راه رسیدن به شهرهای نزدیک و درمان و تحصیل محروم هستند. کارگران شهر مسجد سلیمان که در ساخت و تولید پالایشگاه های گاز عسلویه در تولید ارزش اضافه، کوهی از سرمایه برای سرمایه داران سپاهی و دولت سرمایه تولید میکنند، در شهری زندگی میکنند که به خاطر فرسودگی لوله های گاز در هوای آلوده سر میکنند و سال هاست در این خصوص زنان و مردان کارگر مسجد سلیمان نتوانسته اند دولت سرمایه را وادار کنند که بخشی از ارزش اضافه های محصول کارگران را صرف بهبودی شرایط زندگی در این شهر کنند. سرمایه سازماندهی شده برای اعمال قهر اقتصادی به کارگران مجهز حساب شده به میدان آمده است و دشمن و مانع سر راهش برای اعمال فلاکت فجایع بار به طبقه کارگر را خود کارگران را

می داند و این را خوب فهمیده است کارگران در بسیاری از شهرها، نهادهای بورژوازی را مورد حمله قرار داده اند. اگر چه این حملات سازماندهی شده و بعضاً "آگاهانه نباشد.

ما کارگران با یک دشمن قهار سازماندهی شده روبرو هستیم که در سرکوب ما کارگران کارکشته است. سال هاست نیروهای بسیج را برای سرکوب آموزش داده است. شوراهای اسلامی کار را براه انداخته است که به مشابه تشکل های دست ساز دولتی از ابتدای استقرار رژیم فاشیستی به اشکال مختلف در سرکوب و به بی راهه بردن جنبش کارگری در خدمت دیکتاتوری سرمایه خدمت کرده اند. رژیم اسلامی سرمایه از هیچ جنایتی در حق کارگران دریغ نمی کند. بجز تشکل ارتجاعی خانه کارگر، تشکل های دیگری هم وجود دارند که با نام کارگران و در همدستی با دولت سرمایه و هماهنگ با پاسداران سرمایه در ایجاد تفرقه در جنبش کارگری و سرکوب کارگران شرکت می کنند. از سوی دیگر جناح های بورژوازی خارج نشین در کمین به قدرت رسیدن هستند. این بخش از بورژوازی، از نظر منافع هیچگونه تضادی با دولت فاشیست سرمایه ندارند. سر و ته حرف این جماعت این است که مدیران سرمایه دار فعلی در قدرت، کفایت لازم را ندارند. چیزی که اینان ندارند، ما داریم و بیشتر از آن که مخالفت حاکمیت این جناح از سرمایه بر اریکه قدرت باشند، نگران بر هم خوردن ساز و کار تولید ارزش اضافه و به خطر افتادن مناسبات سرمایه داری اند. نگرانند مبادا زیر ضربات مبارزات کارگری، خرید و فروش نیروی کار لغو شود، کارمزدی به تاریخ بپیوندد.

ما کارگران اکثریت جامعه را تشکیل می دهیم. ما کارگران اعم از صنعتی، خدماتی و فکری از راه فروش نیروی کار امرار معاش می کنیم. کارگران آموزشی (معلمان) و پرستاران بخش بزرگی از طبقه کارگر را تشکیل می دهند که از راه فروش نیروی فکری کارشان تولید ارزش اضافه می کنند. در زمانی که کرونای سرمایه به جان کارگران افتاد جمع بزرگی از این کارگران (پرستاران) در کام مرگ افتادند، اما صاحبان سرمایه در بخش خصوصی و دولتی از این نعمتی که سرمایه برایشان به وجود آورده بود انباشت سرمایه کردند. بعضا در کشورهای حاشیه خلیج و بخش ساختمان سرمایه گذاری کردند. همانطوریکه گفته شد ما کارگران نیروی عظیم و لایزالی هستیم و می توانیم نهادهای سرمایه داری چون نهاد هایی که تحت نظارت ولایت امر سرمایه به تولید خرافات در جهت به بی راهه بردن کارگران مشغولند را از کار بیاندازیم. بارها شاهد بوده ایم که مدیران تولید ارزش اضافه و سکان داران قدرت در حاکمیت سرمایه بوسیله کارگران به زیر کشیده شدند، اما رابطه اجتماعی تولید ارزش پا بر جا ماند. شاید با رفتن شاه قدر قدرت، نظام شاهنشاهی سرمایه سقوط کرد، اما جمهوری اسلامی

سرمایه با حفظ رابطه اجتماعی نظام تولید سود و انباشت، چرخ تولید ارزش اضافه را بدست گرفت. برای اینکه از فقر و فلاکت و زندگی غیر انسانی به در آییم بایستی به جدایی محصول کار از کارگر و خرید و فروش نیروی کار پایان دهیم. برای رسیدن به هدف تولید و توزیع بر حسب نیاز افراد جامعه و برخوردار از یک زندگی انسانی خودجوش شورش میکنیم، اعتصاب های چند هزار نفری بر پامی داریم و آگاهانه و سازمان یافته یک جنبش سراسری شورایی بر پامی داریم.

ما کارگران به طور خودجوش در مبارزات، همدیگر را پیدامی کنیم. اما پیوند بین شورش های خیابانی و مبارزات محیط کار، بازنشستگان، کارگران آموزشی (معلمان)، پرستاران و سایر بخش های کارگری می بایستی آگاهانه سازمان یافته، متشکل، سراسری، شورایی و سرمایه ستیز باشند.

به سخن دیگر باید از شرایط خودانگیخته و خود جوش به درآییم و مبارزات کارگران هر شهر و استان با اعتراضات و مبارزات سایر کارگران پیوند خورد.

خواست ما کارگران با همه جناح های سرمایه دار داخلی و خارج نشین لائیک، مجاهد و... در تضاد است. ما فرق ماهوی بین این جماعت و رژیم اسلامی فاشیست سرمایه قایل نیستیم. اینان همه در حفظ نظام تولید ارزش اضافی و خرید فروش نیروی کار متحد و دشمن ما کارگران هستند و از این روست که بایستی شعارهایمان بجای صرف طلب مرگ برای فلان وبهمان سرمایه دار، بنیان مناسبات سرمایه راهداف گیرد.

خانه های خالی می بایست توسط کارگران بی خانمان اشغال گردد. دارو و درمان می بایست رایگان گردد. آموزش و تحصیل می بایست رایگان گردد. اما مهمتر این است که این خواست ها پراتیک مبارزات سراسری جنبش کارگری شود. رادیکال ترین و سرمایه ستیز ترین شعار بروی کاغذ درمان کارگر گرسنه نخواهد بود.

مرگ سرمایه، لغو جدایی محصول کار از کارگر و در نهایت خط بطلان بر خرید و فروش نیروی کار که بنیان تولید ارزش اضافی است بنیاد یک زندگی انسانی که در آن صاحبان و خالقان تمامی ثروت اجتماعی، در زندگی و کار و تولید خود دخالتگری حداکثری خواهند داشت.

در مقابل هجوم هم‌جانان به سفره خالص خود چه کنیم؟

رژیم سرمایه داری اسلامی ایران موج جدیدی از تهاجم به سفره خالی ما کارگران را آغاز کرده است. محدود ساختن مشمولین دریافت یارانه های نقدی، رشد انفجاری قیمت مایحتاج حیاتی و سرانجام رد مصوبه افزایش ۵۷ درصدی حقوق بازنشستگان و افزایش تنها ۱۰ درصدی آن. این هجوم بسیاری از کارگران را به خیابانها کشاند. شعارهای کارگران در این اعتراضات چنین بوده است. "رئیس هیات مدیره این دولت رو بر کن. مدیر بی لیاقت، وزیر بی کفایت استعفا. افزایش حقوق ها هم سطح با تورم. مرگ بر رئیس...". این شعارهای بی حاصل و پوچ که مدام در طی سالهای اخیر تکرار شده است چه نتیجه ای برای طبقه ما داشته است؟! اینگونه شعارها حاوی این گمراهه عظیم هستند که حکومت و مدیرانش را مسئول اداره امور به نفع همگان می پندارند!! واقعیت اینست که تمامی حکومتها، کارگزاران سرمایه اند و در جهنم سرمایه داری ایران حکومتگران در تلاشند تا سرمایه داری را از وضعیت بحرانی نجات دهند و اتفاقاً با کفایت لازم در حال انجام این وظیفه اند!! تجمع مقابل مجلس و استانداری ها، اعتصابات پراکنده و حتی شورش های خیابانی بدون محتوای ضد سرمایه داری، مطلقاً هیچ گرهی از کوه مشکلات ما حل نمی کند. طبقه ما قدرتی است که اگر سرمایه ستیز وارد میدان شود، می تواند کل جهنم سرمایه داری را با جهانی بدون هیچ فقر، جنگ، بدون استثمار، نابرابری، جهانی مالا مال از رفاه، آزادی، برابری، جایگزین کند. مبارزه ضد سرمایه داری معنای بسیار مشخص و ملموسی دارد، سرمایه ما را استثمار می کند، ما را از تصاحب حاصل کار و دخالت در سرنوشت کار، تولید و زندگی خود ساقط می کند، جنگ ما از اینجا آغاز می گردد. حاصل کار ما نباید سرمایه شود. همصد و هم‌رزم اعلام داریم که خواستار رایگان شدن کل خوراک، پوشاک، دارو و درمان، مسکن، آموزش، نگه داری سالمندان و معلولان هستیم. با اعتصابات سراسری در کل مراکز کار، تولید سود را متوقف سازیم. اینها خیالبافی نیست، طبقه ما بارها این کارها را انجام داده است اما نه برای خود که پشت سر بخشی از وحوش سرمایه دار علیه بخشی دیگر و حاصل آنها همین وضعی است که الان داریم. باید برای همیشه طومار این گمراهه رفتن ها را بر بندیم. کل مراکز کار را به تصرف خود در آوریم، با شوراها و خویش به اداره جامعه، به برنامه ریزی کار و تولید پردازیم.

گزارش تجمع بازنشستگان و فعالان در روز ۲۶ خرداد

امروز پنجشنبه ۲۶ خرداد برخلاف انتظار تعداد بازنشستگان نسبت به روزهای قبل بسیار کمتر بود. تعداد افرادی که در پیاده روی مقابل مجلس سرمایه پراکنده بودند، جمعاً به صد نفر می رسید. انتظار دولت سرمایه از حضور بازنشستگان هم بسیار بالا بود چنان که نیروهای سرکوب را افزایش داده بود و برخلاف روزهای قبل که نیروهای سرکوب موتور سوار در محل هایی چون مرکز آموزش عقیدتی نیروی انتظامی و دیگر مکان های اختصاصی این نهاد سرکوب بودند، امروز پارک و اطراف ایستگاه مترو را نیروهای انتظامی اشغال کرده بودند و از رفتن افراد رهگذر برای رفع خستگی به پارک هم جلوگیری می کردند. حدود صد تایی موتور سوار هم جلوی پارک آماده دستور حمله بودند. ماشین هایی که معمولاً برای دستگیری در روزهای تجمع به محل می آورند چند برابر روزهای قبل بود. بازنشستگانی که آمده بودند از شرکت کم بازنشستگان شاکی بودند. درموقع برگشت در مترو با تعدادی از این بازنشستگان هم سفر شدیم. اینان نیز به شدت از نیامدن دوستانشان عصبانی بودند. یکی از بازنشستگان به حرف درآمد: " فلانی گفته میام و نیامده و آن یکی که فقط حرف می زند و می گوید کارداشتم. " در شرایطی که گرانی بیداد می کند، از کارگران شاغل که نباید انتظار داشت. کارگران بازنشسته هم با مشکلات عدیده ای دست به گریبان هستند. از این گذشته جنبش کارگری در حال حرکتی است که یکدست نیست. مشکل ما این است که آمدن اینجاساعتی بالا پایین رفتن در طول خیابان است و گاهاشعارهایی با مضمون عجز لابه سر می دهیم و خسته و بدون دستاوردی سرخورده به خانه برمی گردیم و بعضاً سرخوشیم که چند شعار تظلم خواهانه سرداده ایم. اگر بخواهیم به معضلات دست به گریبان بازنشستگان بپردازیم بسیارند. به دو مورد اشاره ای گذرامی کنیم:

یکی آن که ما با اتکا نیروی خود برای گرفتن مطالباتمان به میدان مبارزه با سرمایه نمی آیم. بلکه سفره خالی می گسترانیم. معنی این کار ما یعنی ترحم خواهی از دشمن طبقاتی خود که علاوه بر دستمزد

بسیار ناچیز، گرانی خورد و خوراک را بر ما کارگران تحمیل کرده است. آیا کار ما مصداق ترحم بر پلنگ تیز دندان نیست؟ ما با دشمن طبقاتی روبرو هستیم. باید برای لغو جدایی محصول کار کارگر و خارج کردن خورد و خوراک از دایره خرید و فروش در مبارزه با سرمایه عزم جزم کنیم. آیا در حالی که بسیاری از کارگران به کارتن خوابی، پارک خوابی و پشت بام خوابی روی آورده اند راهی جز اشغال خانه های خالی مانده است؟

اما دومی، اگر بر این باوریم که ما نیروی عظیمی که خالق کلیه کالاهای مصرفی و هست و نیست دنیای سرمایه هستیم چرا باید بسیاری از هم زنجیرانمان برای سد جوع به سطل اشغال پناه ببرند. ما باید از تجمع و بست نشینی جلو نهادهای بورژوازی دست برداریم. ما کارگران گرچه سرمایه ای جز نیروی کارمان نداریم اما نیروی عظیمی هستیم که اگر شورایی، سراسری، آگاه، سازمان یافته و سرمایه ستیز به میدان پیکار با سرمایه درآییم بی شک سرمایه به زانو در خواهد آمد. برای این منظور بایستی از بست نشینی جلو مجلس و دیگر نهادهای دولت سرمایه دست برداریم. ما کارگران بازنشسته که شیره جانمان در دست صاحبان سرمایه و دولت سرمایه به سرمایه تبدیل شده است اکنون چرخ تولید ارزش اضافی در دست ما نیست. اگر روزها و ماه ها و سال ها همچنان که این کار را طی سالها انجام داده ایم، تجمع کنیم، سرمایه را ملالی نیست. برای آن که نیرومندتر و زورمندتر به میدان آییم باید در اتحاد با کارگران شاغل، بیکار، یدی و فکری به پیکار با سرمایه روکنیم. می توان تجمعات را در مقابل یکی از مراکز کار و تولید برگزار کرد.

گزارش اعتراضات کارگران روز هار اضهر

کارگران شرکت پیمانکاری کیانپور در سایت ۱ پتروشیمی بوشهر روز شنبه ۷ خردادماه، در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه دستمزد و انجام نشدن وعده‌ها مبنی بر اضافه حقوق ۳۸ درصد و نوبت کاری ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت اعتصاب کردند. کارگران در حال حاضر به صورت ۲۴ روز کار و ۶ روز مرخصی کار می‌کنند.

تجمع پرستاران سازمان تامین اجتماعی در مقابل این سازمان در تهران در اعتراض به عدم پرداخت اضافه دستمزد مشاغل سخت و زیان آور روز یکشنبه ۸ خرداد.

بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای کرمانشاه، تبریز، قزوین، مشهد، اهواز، شوش، تهران در اعتراض به سطح نازل پرداخت‌های بازنشستگی روز یکشنبه ۸ خرداد دست به تجمع زدند.

کارگران شرکت کمباین سازی سهند تبریز، روز یکشنبه ۸ خرداد ماه، در اعتراض به پرداخت نشدن معوقات مزدی خود و مشکلات معیشتی دست به تجمع اعتراضی در محوطه کار خود زدند.

کارگران شرکت تراورس درود لرستان می‌گویند به اعتصاب خودمان ادامه میدیم تا دستمزدهای معوقه پرداخت بشه یک ماه حقوق چهارمیلیونی روزبنیم تا کار به جایی برسه فعلا با افزایش حقوق این دوماه که ندادن ۴ میلیون از پولمون خوردن ۱۲ ماه رو حساب کنید.

روز دوشنبه ۹ خرداد ماه جمعی از کارگران کارخانه آلومینیوم پارس ساوه در اعتراض به افزایش ساعت کاری خود دست به تجمع زدند. کارفرمای سرمایه‌دار شرکت ساعت‌های کار کارگران آلومینیوم پارس ساوه را از ۶ ساعت به ۸ ساعت در روز افزایش داده است. به گفته کارگران کارفرما و مدیران شرکت با سوءاستفاده از بازنشسته شدن شماری از کارگران قدیمی، استخدام کارگران و پرسنل جدید را براساس ۸ ساعت کار انجام داده‌اند. آنها می‌گویند، این اقدام یک‌جانبه در حالی است که تاکنون، ساعت کاری در این کارخانه به دلیل سختی و زیان آور بودن نوع کار، ۶ ساعته بوده است. به گفته کارگران، حوادث کاری همچون سوختگی و

شکستگی‌های استخوان در این کارخانه بیداد می‌کند. بیش از ۳۰ درصد از ۷۰۰ کارگر این کارخانه به دلیل شرایط سخت و ناامن کار، همواره در معرض آسیب‌های شغلی این چینی قرار دارند.

روز سه شنبه ۱۰ خرداد ۱۴۰۱، **معلمان شهر سنندج** در اعتراض به بازداشت معلمان، تجمع کرده و خواهان آزادی همکاران بازداشتی خود شدند.

تعدادی از بازنشستگان در شهرهای زنجان، تهران، رشت و تبریز در اعتراض به عدم افزایش حقوق و تصویب نشدن مصوبه‌ی افزایش مستمری اعتراض کردند.

گروهی از **کارگران نگهداری از خطوط راه‌آهن نواحی لرستان و زاگرس** که تحت مسئولیت شرکت‌های پیمانکاری تراورس مشغول کارند، از سه روز پیش (نهم، دهم و یازدهم خرداد ماه) در اعتراض به عدم افزایش دستمزدهای خود در سال جاری اعتراض کردند.

کارگران شرکت مخابرات زنجان روز ۱۱ خرداد در اعتراض به عدم پرداخت معوقات مزدی خود دست از کار کشیده و در برابر دفتر مدیریت این شرکت تجمع کردند.

کارگران شرکت صنایع شیشه آذر تبریز در اعتراض به عدم پرداخت چندین ماه معوقات مزدی با توقف تولید، دست به تجمع اعتراضی زدند.

اعتصاب **کارگران کشت و صنعت کارون شوستر** که از صبح روز یکشنبه ۱۵ خردادماه برای افزایش دستمزدهای خود آغاز شده، همچنان ادامه دارد. این کارگران با راهپیمایی در مسیر کارخانه، خواستار انفسال خدمت مدیرعامل این شرکت و افزایش دستمزدها هستند. این کارگران در هفته دوم اردیبهشت‌ماه امسال نیز در روز اعتصاب کردند. همچنین در روزهای ۱۱ و ۱۲ خرداد نیز دست به اعتصاب زدند.

کارگران مجموعه شهرداری شوش در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه روز ۱۶ خرداد تجمع کردند.

دوشنبه ۱۶ خرداد ۱۴۰۱ **بازنشستگان تأمین اجتماعی** شهرهای کرمان، زنجان، شوستر، اهواز، کرمانشاه، دزفول، رشت، تبریز، اراک، مشهد، شیراز، اصفهان، بجنورد، کرج، شوش و هفته تپه، البرز، خرم آباد، تهران، بندرعباس، آبادان، ارومیه، دست به راهپیمایی اعتراضی زدند. راهپیمایی اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی و با شعار مرگ بر ریسی، وزیر قانون شکن استعفا استعفا همراه بود !!

کارگران آتش‌نشانی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تبریز در اعتراض به پایین بودن حقوق و افزایش ۱۰ درصدی دریافتی هایشان با وجود تورم بیش از ۴۰ درصدی در محوطه شهرداری تبریز تجمع اعتراضی برپا کردند.

روز سه شنبه ۱۷ خرداد ماه، **کارکنان دانشگاه آزاد تهران** در اعتراض به عدم افزایش دستمزدها، با شعار

«تهرانچی دروغگو، حاصل وعده‌ها ت کو» دست به تجمع اعتراضی زدند.

روز ۱۷ خردادماه، نیز جمعی از بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، شیراز، مشهد، کرمان، قزوین، مشهد، یزد، اهواز، رشت، اردبیل، زنجان، درود، مقابل ساختمان استانداری، استان های خود دست به تجمع زده و در برخی شهرها اقدام به راهپیمایی کردند. بازنشستگان تأمین اجتماعی نسبت به مصوبه روز ۱۵ خرداد هیأت وزیران مبنی بر افزایش ۱۰ درصدی حقوق بازنشستگان غیر حداقل بگیر اعتراض داشته و خواهان افزایش حقوق به میزان نرخ واقعی سبد معیشت هستند، اما دولت حتی مصوبه شورای عالی کار مبنی بر افزایش ۳۸ درصدی برای غیر حداقل بگیران را نیز زیر پا گذاشته است.

روز سه شنبه ۱۷ خردادماه جمعی از کارگران پیمانکاری نفت و گاز شاغل در پارس جنوبی، در اعتراض به عدم استخدام خود، وجود شرکت‌های پیمانکاری و عدم افزایش دستمزدها دست به تجمع زدند.

کارگران شهرداری ایرانشهر روز چهارشنبه ۱۸ خردادماه، در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق معوقه خود در مقابل ساختمان شهرداری اقدام به تجمع کردند.

چهارشنبه ۱۸ خردادماه، بازنشستگان تأمین اجتماعی، در سومین روز تظاهرات‌های اعتراضی خود، بار دیگر در شهر تهران، کرج، تبریز، یزد، کرمانشاه، اهواز، اراک، شوش و کرمان به خیابان‌ها آمدند و خواستار لغو مصوبه اخیر دولت مبنی بر افزایش ۱۰ درصدی حقوق بازنشستگان شدند.

چهارمین روز اعتراضات بازنشستگان تأمین اجتماعی با شعار «شش کلاس دروغگو، حاصل وعده‌ها ت کو» در شهرهای اراک، زنجان، کرج ادامه یافت. این اعتراضات از روز دوشنبه در اعتراض به خودداری دولت از افزایش حقوق بر مبنای قولی که داده بود، آغاز شد. بازنشستگان که با گرانی و تورم چند برابری سال جدید، توان مالی برای برآورده کردن حداقل‌های زندگی را ندارند، تصمیم دارند تا رسیدن به خواسته‌های خود به اعتراض ادامه دهند.

شماری از کارگران پیمانکاری و قرارداد مستقیم شهرداری یاسوج که سه تا پنج ماه معوقات مزدی پرداخت نشده دارند، روز شنبه ۲۱ خردادماه، مقابل ساختمان استانداری کهگیلویه و بویراحمد تجمع کردند.

در پنجمین روز اعتراضات بازنشستگان روز شنبه ۲۱ خردادماه در شهرهای اهواز، شوش و هفت‌تپه، کرج، ایلام، همدان، دست به تجمع زدند.

کارکنان و مربیان اداره کل آموزش فنی و حرفه ای استان البرز در اعتراض به سطح دستمزدها روز شنبه ۲۱ خردادماه دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی کارکنان و مربیان اداره کل آموزش فنی و حرفه ای استان البرز به وضعیت معیشتی و

سطح نازل دستمزدها.

جمعی از کارگران کارخانه تولی پارس شهرک صنعتی البرز قزوین روز شنبه ۲۱ خرداد ماه در اعتراض به نبود امنیت شغلی و عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود دست به تجمع زدند.

گروهی از کارگران کارخانه داروگر تهران روز شنبه در اعتراض به عدم پرداخت چندین ماه دستمزد معوقه خود در محوطه کارخانه دست به تجمع زدند.

کارگران قرارداد موقت جهاد کشاورزی در اعتراض به افزایش ده درصدی دستمزد های خود دست به تجمع زدند.

روز یکشنبه ۲۲ خرداد ۱۴۰۱ بازنشستگان تامین اجتماعی شهرهای بروجرد، اهواز، کرمانشاه، اصفهان، اراک، اردبیل، شوشتر، تبریز، کرج، بندرعباس، ساری، همدان، رشت، شوش، مشهد، زنجان، شیراز، شوش دانیال، شهرستان سولدوز، نقده، سنندج، خرم آباد در اعتراض به سطح نازل دستمزدهای خود مقابل نهاد های دولت سرمایه دست به تجمع زدند. در زنجان با شعار "دشمن ما همینجاست دروغ میگو آمریکاست" و "تامین اجتماعی چه نام اشتباهی" تجمع اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی خرم آباد با شعار های "تورم گرانی بلای جان مردم رئیسی دروغگو حاصل وعده هات کو مرگ بررئسی". اصفهان: در تجمع اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی، نیروی سرکوب انتظامی گاز اشک اور علیه بازنشستگان بکار برد! گروهی از کارگران تهرانی مقابل اداره برق تهرانپارس علیه فقر، گرانی تجمع کرده و شعار می دهند؛ «آب، برق، زندگی، حق مسلم ماست!»

رانندگان بازنشسته خطوط بی آر تی یکشنبه ۲۲ خرداد در اعتراض به عدم واریزی حق بیمه سخت و زیان آور و پرداخت کامل حق سنوات، در مقابل سامانه ۳ اتوبوسرانی شرکت واحد تهران دست به تجمع اعتراضی زدند.

روز یکشنبه ۲۲ خردادماه ۱۴۰۱، کارگران شرکت های پیمانکاری آجین، نوآوران، اولنگ و تامین نیرو در اعتراض به عدم افزایش دستمزدهایشان دست به اعتصاب زدند.

بازنشستگان تامین اجتماعی روز دوشنبه ۲۳ خردادماه در شهرهای بندرعباس، اهواز، دورد، شهرستان سربندر، برای چندمین روز متوالی دست به تجمع اعتراضی زدند. بازنشستگان بندرعباس فریاد می زدند «سیدعلی دروغگو حاصل وعده هات کو!»

روز چهارشنبه ۲۵ خرداد، بازنشستگان شبکه بانکی در شهرهای اهواز، تهران، کرمانشاه، شوشتر، درود، شوش، مقابل صندوق بازنشستگی کارکنان بانکها علیه دستمزدهای نازل، افزایش قیمت مایحتاج دست به تجمع زدند.

روز چهارشنبه ۲۵ خرداد ماه، شماری از کارکنان شرکت حمل و نقل بین المللی جمهوری اسلامی، در اعتراض به عدم افزایش دستمزدهایشان، در مقابل ساختمان سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای کشور واقع در خیابان دمشق تهران، دست به تجمع اعتراضی زدند.

شماری از بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای مختلف کشور از جمله شوش، شوشتر، دورود، اهواز، کرمانشاه رشت و زنجان روز پنجشنبه ۲۶ خرداد ماه برای چندمین روز متوالی در اعتراض به فقر، افزایش قیمت مایحتاج و کاهش مستمری در شهرهای محل سکونت خود دست به تجمع زدند.

روز پنجشنبه ۲۶ خرداد ماه معلمان شهرهای مختلف کشور در مقابل ساختمان ادارات آموزش و پرورش شهرهای مریوان، سنندج و سقز، کامیاران، بیجار، بندرعباس، ساری، کاشمر، همدان، کرج، بوکان، اندیمشک، تهران، خرم آباد، سردشت، آبدانان، اسلام آباد غرب، اردبیل، زنجان، کرمانشاه، همدان، هرسین، رشت، ملایر، الیگودرز، ارومیه، دیواندره، بابل، اهواز، رضوانشهر، یاسوج، شهرستان دلفان، خمینی شهر، جلفا، در اعتراض به سطح نازل دستمزدها، فقر و گرانی سرسام آور تجمع اعتراضی کردند. روز چهارشنبه ۲۵ و امروز ۲۶ خرداد ۱۴۰۱ مجموعاً بیش از ۵۰ معلم در شهرهای مختلف توسط نهاد های امنیتی و سرکوب سرمایه دستگیر شده اند. در گیلان شش معلم، کردستان سی معلم، خمینی شهر سه معلم، قزوین هفت معلم و یک معلم در شهرستان دلفان و تعداد نامعلومی در شیراز دستگیر و به سیاه چال های نظم سرمایه فرستاده شده اند.

روز پنجشنبه ۲۶ خرداد ماه ۱۴۰۱ کارگران شرکت های تولی پرس و بسته بندی البرز در اعتراض به عدم پرداخت چهار ماه دستمزد معوقه دست به اعتراض و راه پیمایی زدند و مقابل فرمانداری شهر الوند در استان قزوین تجمع کردند.

کارگران شرکت پیمانکاری پارسا در فاز ۱۹ کنگان که کارفرمای اصلی آن شرکت بهره برداری و تعمیراتی مپنا است در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها دست از کار کشیدند و می گویند: نه تنها هنوز دستمزد فروردین ماه را دریافت نکرده بلکه سرمایه دار پیمانکار از پرداخت آیمت های رفاهی سرباز زده و لیست بیمه آنها را هم رد کرده است.

#شورایی_و ضد_سرمایه_داری_متشکل_شویم

#کارگران_ضد_سرمایه_داری

درباره ما ...

ما عده ای کارگریم، تا چشم باز کرده ایم شاهد استثمار وحشیانه پدران و مادران، همسایگان و اهالی محله کارگرنشین خود و همه کارگران توسط سرمایه داران و سرمایه بوده ایم. با گوشت و پوست و رگ و خون خود لمس نموده ایم که کلیه سرمایه ها و ثروتها توسط طبقه ما تولید می شود و دنیای فقر و فلاکت و سیاه روزیها نیز بیش از پیش بر سر طبقه ما آوار می گردد. هر چه بیشتر تولید کرده ایم عمیق تر از وسائل کار و تولید و محصول کار خود جدا شده ایم. هر چه بر قدرت سرمایه افزوده ایم خود فرسوده تر و حقیرتر شده ایم. با چشم باز و با همه وجود مشاهده کرده ایم که دولت، ارتش، قانون، حقوق، اخلاق، فرهنگ، پلیس، دین، مسجد، منبر و همه چیز جامعه موجود متعلق به طبقه سرمایه دار، مدافع سرمایه داری، علیه ما و در خدمت ماندگاری استثمار وحشیانه ما توسط سرمایه است. همه شعور و شناخت و ذهن و فکر و عقل و احساس و ادراک ما با این واقعیتهای آمیخته است. ما به حکم کارگر بودن خویش به صورت خودجوش، ضد سرمایه داری و علیه بردگی مزدی هستیم. فلسفه و دانش و تخصص و فضل ویژه ای هم لازم نیست تا ضدیت با سرمایه را به ما بیاموزد. ریشه و بنیاد سرمایه ستیزی خودجوش ما در اینجا، در عمق این واقعیتها است. ما گروه، حزب، سازمان، کمیته و هیچ دار و دسته ای نیستیم. اینگونه تشکلهای که از بالای سر کارگران ساخته می شوند ابزار تبدیل جنبش طبقه ما برای چانه زنی با سرمایه داران و کسب قدرت دولتی می دانیم. این نوع تشکل سازیها حتا اگر با جنجالهای ضد سرمایه و چپ نمایانه همراه باشد، راه و رسمی غیرکارگری است. سازمانیابی طبیعی طبقه ما شورا است. در متن مبارزه شورائی باید با هم به گفتگو بنشینیم، تجارب و آگاهی خود را به هم منتقل کنیم و برای ارتقای رویکرد ضد سرمایه داری خودجوش طبقه خود بکوشیم. ما این نشریه را منتشر نمی کنیم تا مبارزات کارگران راهبری کنیم!! نه فقط چنین ادعایی نداریم که هرگونه مرجع و مقلد و هر میزان تبعیت جنبش کارگری یا توده کارگراز اراده رهبران رافاجعه ای برای این جنبش و انحراف از ریل واقعی پیکار ضد سرمایه داری می دانیم. می خواهیم که این نشریه تربیونی برای اثرگذاری سرمایه ستیز در مبارزه روز ما کارگران باشد. اثرگذاری تعداد هر چه بیشتری از کارگران در تعیین راه و رسم و پیچ و خم مبارزه طبقاتی برای رفع و دفع تعرضات همیشگی سرمایه داران و رهایی نهایی از شر وجود سرمایه داری، هدف انتشار «علیه سرمایه» است.

website
Email
telegram
instagram

www.alayhesarmaye.com
kargarshora19@gmail.com
@ alayhesarmaye
@ alayhesarmaye